

# کتاب‌آبی

گزارش‌های محرمانه  
وزارت امور خارجه انگلیس  
در باره انقلاب مشروطه ایران

جلد دوم

از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸ تا ۱۰ مه ۱۹۰۹

بکوشش احمد بشیری

www.adabestanekave.com

# کتاب آبی

گزارشهای محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس  
در باره انقلاب مشروطه ایران

به کوشش و ویراستاری  
احمد بشیری

جلد دوم

از تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸ تا ۱۰ مه ۱۹۰۹  
[ ۸ آذر ۱۲۸۷ تا ۲۰ اردیبهشت ۱۲۸۸ ؛  
۵ ذی قعدة ۱۳۲۶ تا ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۲۷ ]

نشر نو

تهران، ۱۳۶۲

چاپ اول: دی ۱۳۶۴  
تعداد: ۵۵۰۰ جلد  
حق چاپ محفوظ است.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

حروفچینی و چاپ و صحافی این کتاب در  
شرکت افنت (سهامی عام) انجام شد.

www.adabestanekave.com

### درخواست از خوانندگان کتاب

در این کتاب گزارش رویدادهای گوناگون یکی از پرآشوبترین و آموزندهترین دورانهای تاریخ میهن ما یعنی چگونگی پا گرفتن و پیروز شدن جنبش مشروطه‌خواهی در ایران را می‌خوانید.

چنانکه در پیش‌گفتار نیز یادآور شده‌ایم گردآورندگان مطالب کتاب، به‌دلایل و انگیزه‌های ویژه خودشان بسیاری از حوادث را چنان به‌کوتاهی و اختصار برگزار کرده‌اند که جز با موشکافی و کاوش بسیار نمی‌توان از آنها سر درآورد و بدتر از این، در بیشتر جاها از آفرینندگان و قهرمانان ماجراها به‌درستی نام نبرده و یا سر بسته و رمزگونه از آنها یاد کرده‌اند که بهر روی خواننده را بیشتر گیج و درمانده و دریافت مطلب را برایش بسی دشوار می‌کند.

ما برآنیم که در پایان کار چاپ کتاب، پیرامون اینگونه مطالب و رخدادها بررسی تازه‌ئی کنیم و تا جائیکه بشود گوشه و کنار آنها را روشن گردانیده، نارسائی‌ها را از میان برداشته و مردان و زنان ناشناس مانده در کتاب را به‌خوانندگان بشناسانیم.

برای کامیابی در کاری که قصد انجامش را داریم به‌کمک و یاری خوانندگان آگاه و بیداردل کتاب به‌فراوانی نیازمندیم و آنها می‌توانند با روشن‌گریها و توضیحات تازه خودشان درباره مطالب کتاب و یا بدست دادن عکسها، نوشته‌ها و مدارک دیگری در این زمینه به پیشبرد کار ما یاری دهند.

مطالب، عکسها و مدارکی که خوانندگان برای ما بفرستند اگر بخواهند بنام خودشان در کتاب توضیحات چاپ خواهد شد و اگر مایل به‌پس گرفتن مدارک خود باشند ما، پس از رفع نیاز هر آنچه را که از آنها گرفته‌ایم بخودشان پس خواهیم داد.

باز هم یادآور می‌شویم که کار روشنگرانه‌ئی که در پیش داریم جز با کمک اندیشمندان و آگاهان این دیار بویژه آنان که خود در حوادث دوران مشروطه زیسته و یا در آنها از نزدیک یا دور دستی داشته‌اند انجام‌پذیر نخواهد بود. بزرگواری کنید و هرچه از حوادث و قهرمانان مشروطه می‌دانید در دسترس ما بگذارید باشد که این گوشه شگرف تاریخ ما با همت و همیاری خودتان روشن شود.

لطفاً چنانچه مایل به همکاری با ما بودید نامه‌ها و مطالب خودتان را به صندوق پستی شماره ۶۶ تهران بنام احمد بشیری بفرستید و یا با تلفن شماره ۹۸۰۸۱۴ آنچه را می‌خواهید با ما در میان بگذارید.

با سپاس فراوان از توجهی که به درخواست ما و روشنتر گردانیدن تاریخ این مرز و بوم خواهید فرمود و در انتظار مهرورزی‌های شما.

احمد بشیری

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

کوشش خود را در کار چاپ این دوره کتاب به  
همه مردان و زنان آزاده و جانبازی که انقلاب مشروطه ایران  
را پدید آوردند  
همه روانهای پاکی که در راه بزرگداشت ایران کوشیدند و جان باختند  
شادروانان حاجی علیقلی خان سردار اسعد و همکاران او که  
پیشگامان ما در این راه بودند  
نیاز می‌کنم.

[www.adabestane-kave.com](http://www.adabestane-kave.com)

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در این ایام فرخنده فرجام که نور تمدن شرق و غرب عالم را فرا گرفته و آثار علم و دانش به‌قوة برقیه در هر نقطه‌ای از نقاط ممالک متمدنه راه یافته فریضة ذمه اولیای هر قومی است که هموم عالیة خود را در ترویج و تشیید علم و ادب مصروف داشته و بدین‌وسیله افراد و ابناء قوم را از ورطه ضلالت به‌شاهراه هدایت و درایت دعوت نموده و مؤسس سرمایه سعادت جمع شده آنان را به‌اوضاع کنونی عالم بصیر و با سیاست مدن مربوط نموده و از گرداب جهل و نادانی برهانند. اول کسی که در این مملکت پیشقدم شده و دامن همت به‌کمر زده و از بذل مال و اوقات شریف خود در این‌راه سر مویی فروگذار [= فروگذار] ننموده یگانه مربی نوع و ناجی [= منجی] قوم پیشوای حریت و بیدارکننده ملت، فدائی وطن حضرت مستطاب اجل امجد اشرف آقای سردار اسعد دامت شوکتہ العالی است که پس از ایثار جان و مال در رهایی ابنای این مملکت از چنگال قهر و غلبه استبداد، با کسالت مزاجی که از شدت تهاجم افکار مؤثره راجع به‌این آب و خاک عارض خاطر مبارکشان شده که خود باعث یأس و متارکه از اغلب اقدامات است. مع‌هذا در بروز مساعی جمیله برای خدمت به‌نوع خودداری ننموده و اوقات گرانبهای خود را کاملاً مصروف معارف‌پروری و ترویج علم و افتتاح طرق دانش و معرفت نموده و بالاخصاص در این ایام محض آگاهی عموم ایرانیان بترتیب سیاست غرب و استحضار از پلتیک و روابط دول خارجه با این مملکت اهتمامات وافیه در ترجمه و نشر کتاب آبی که حاوی اخبارات مهمه ایران از بدو تأسیس مشروطه به‌بعد است و جریان پلتیک و منافع اقتصادی دول همجوار را واضحاً آشکار می‌دارد بعمل آورده و در

واقع خدمت بزرگی به آحاد و افراد این مملکت نموده که در آتیه مجهول نخواهد ماند و نظر به دقایق عمیق‌های که در ترجمه صحیح این کتاب داشته‌اند این خدمت را به عمده این بنده بی‌مقدار و خادم ملت، میرزا علی‌خان مدبرالملک محول فرموده‌اند و این بنده هم با اشتیاق کامل که به خدمتگذاری [= خدمتگزاری] هموطنان عزیز خود دارم ارجاع این خدمت را برای نیل به آمال و آرزوی خود مغتنم شمرده و انجام آن را سرمایه افتخار ابدی خود قرار داده حتی القوه در صحت ترجمه آن اهتمام و دقت نموده و امیدوارم در نظر قارئین محترم پسندیده افتد و چنانچه منقصتی در آن مشاهده فرمودند به کرم خود از آن صرف نظر فرمایند.



مراسلات و مخابرات در باب

اوضاع ایران

در تعقیب جلد نمره یک سنه ۱۹۰۹

نمره - ۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوردگری (واصله در ۳۰ نوامبر)

طهران، به تاریخ ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸

[ ۸ آذر ۱۲۸۷؛ ۵ ذی قعدة ۱۳۲۶ ]

شاه و مشروطه

جواب مراسله مشترکه ما مورخه ۲۲ شهر حال از طرف دولت ایران رسیده است: مراسله مزبور مبنی براین است که تعرض ما در باب تعلیمات مخالفانه دادن ناصحین مخفی به شاه بی اصل است و شاه محتاج به نصیحت ملتزمین خود نیست. دولت ایران ضمناً از ما خواهش نموده است که به دول متبوعه خودمان اطلاع بدهیم که شاه قصد اعطای مجلسی دارد که مطابق عادات مردم و طبیعت مملکت باشد و با قوانین شرع اسلام موافقت داشته باشد. و نیز در مراسله مزبور خاطر نشان نموده اند که اغتشاشات و انقلاباتی که در ایام مشروطه سابق در مملکت بروز نمود به همین مناسبت موافق نبودن مجلس با عادت مردم بود.

ظاهراً مجلس مشورتی که اعلیحضرت مزبور در ۲۸ نوامبر تأسیس آنرا به ترجمانهای سفارتین اعلام نموده همان مجلس منظوره است.

## نمره - ۲

تلگراف سر ادواردگری به سر نیکلسن

وزارت خارجه، ۳۰ نوامبر ۱۹۰۸

(۸ آذر ۱۲۸۷؛ ۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۶)

جنابعالی باید از مسیو ایسولسکی سؤال بکنید که آیا او با نظریات دولت انگلیس در باب مسئله ذیل موافقت دارد یا خیر؟

ما تصور می‌کنیم مراسله‌ای که از دولت ایران به سر جارج بارکلی و همکار روسی او رسیده است نباید بی‌جواب گذارده بشود. فرض می‌کنیم مجلسی که شاه وعده نموده است واقعاً مثل همان مجلس شوری باشد که شاه دو روز قبل به ترجمانهای سفارتخانه‌ها اطلاع داده است. در اینصورت احتمال نمی‌رود که باعث اسکات بشود یا ملت با تشکیل مجلسی که مبنای آن به انتخاب نباشد اقناع بشوند.

دولت انگلیس تصور می‌کند بهتر آنست در این باب التیماتی [= اولتیماتوم] بشود مبنی بر اینکه شاه باید امر بکند که مجلس مشاوره مزبور بدون دفع وقت بیش از این، شروع به نوشتن قانون جدیدی برای انتخابات بنماید.

## نمره - ۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در غره دسامبر)

سن پترزبورغ، غره دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

مرحمت فرموده به تلگراف مورخه دیروز خودتان مراجعه فرمایید.

بنا به اطلاعات واصله مسیو ایسولسکی از شارژ دافر روس مقیم طهران، مقدمات مجلس مشاوره منظوره تاکنون بعمل آمده و تهیه قانون انتخابات اولین مشغله آن هیئت خواهد بود. بنا به اطلاعی که از مسیو سبلین [= سابلین] رسیده مسیو سبلین و سر جارج بارکلی با هم موافقت نموده‌اند که حتی القوه در سرعت اجرای این امر کوشش بنمایند و در ضمن منتظر بشوند تا روش منظوره اتخاذ بگردد. به عقیده مسیو ایسولسکی نظر به مراتب فوق عجالاً اظهار دیگری از طرف دولتین به شاه لازم نیست ولی من به جناب معزی‌الیه توضیح دادم که يك مبنای انتخابیه‌ای از برای مجلس جدید قطعاً لازم است. حتی چنانچه حق انتخاب هم نسبت به انتخاب مجلس ماضی محدودتر باشد هیچ مجلس مشاوره‌ای یا هیئت دیگری که اعضای آن فقط از طرف شاه معین بشوند در عوض مجلس منتخبه قبول نخواهند شد. بهر حال چون نمایندگان دولتین در طهران توصیه نموده‌اند که چندی تأمل بشود تا بپینیم مجلس مشاوره حاضره چطور کار می‌کند به این جهت عجالاً تأمل نمودن بهتر است. من جواب دادم که مراتب را به وزیر امور خارجه انگلیس اطلاع خواهم داد. در هر صورت قانون

انتخاب را مجلس مشاوره باید به اسرع وقت حاضر بنماید.

#### نمره - ۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غره دسامبر)

طهران، غره دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف سن پترزبورغ مورخه امروز.

اعضای مجلس اعیان جدید عاری از این کار و نادان و ارتجاعی هستند به استثنای یکی دو نفر که آنها هم مایل به حضور در آن محضر نیستند. در واقع ترکیب این هیئت غیرمرضی است و بالصراحة نشان می دهد که شاه بیش از پیش لزوم تأسیس رژیم جدید را تغافل می کند. بجز اینکه ما بتوانیم شاه را متقاعد بنماییم که چند نفر اشخاص تربیت شده آزادی خواه به عده اعضای مجلس مشاوره بیفزاید چاره ای نیست والا من گمان می کنم مساعی ما برای تجدید تشکیل يك مجلس منتخبه بی فایده باشد. ضمناً اهمیت اوضاع تبریز در تزاید است.

#### نمره - ۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غره دسامبر)

طهران، غره دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

جنرال قنسول انگلیس از تبریز خبر می دهد که پانصد نفر قشون روس از جلفا عزیمت نمودند.

#### نمره - ۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در غره دسامبر)

طهران، غره دسامبر ۱۹۰۸

[۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۲۵ شهر ماضی من.

با وجود اطمینانی که حسب الامر شاه به توسط وزارت امور خارجه به نماینده های دولتین داده شده بود امروز دستخط ۲۲ شهر ماضی در تمام شهر منتشر شده. شارژ دافر روس و من جداً تأکید نموده ایم که اوراق مزبور باید بدون تأخیر توقیف بشود.

## نمره - ۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲ دسامبر)

طهران، ۲ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۷]

در تعقیب تلگراف مورخه دیروز خودم، ابلاغی از طرف شاه به من رسیده که جواب او به علماء را بکلی بدون استحضار او به دیوارها نصب نموده‌اند و خود او هم از این بابت خیلی متغیر است. اعلیحضرت مزبور امر نموده است که دستخط منتشره جمع و پاره بشود.

شاه تصور می‌کند که دستخط مزبور کار علماء باشد ولی چون ممکن است بعضی صاحب‌منصبان جزء هم مسؤول باشند اعلیحضرت مزبور به حکومت طهران امر نموده است هر شخصی را که دخیل این کار یافت مورد مؤاخذه قرار دهد.

اعلیحضرت معظم اطمینان‌نمایی را که علام‌السلطنه در چهارشنبه ماضی به من تبلیغ نموده بود تکرار می‌نماید.

به تلگراف ۲۵ شهر ماضی من مراجعه نمایید.

## نمره - ۸

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۶ دسامبر)

سن پترزبورغ، ۶ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۴ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۷]

مسافرت سفیر فوق‌العاده به سن پترزبورغ

دیروز مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که با وجود اظهار دولت روس که امپراطور مایل نیست در مورد فوت گراندوک الکسیس مأموری برای تسلیت اعزام بشود مع‌هذا ورود سفیر مخصوص برای این امر واقع خواهد شد.

جواب دولت ایران مبنی بر این بوده که مع‌ذلك دولت ایران میل دارد سفیر فوق‌العاده را بفرستد و به‌اضافه سفیر مزبور حامل يك مراسله مهمی از طرف شاه به امپراطور خواهد بود.

## نمره - ۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۸ دسامبر)

طهران، ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۳ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۰ شوال ۱۳۲۶]

در هفتم شهر حال، نمایش برعلیه [= علیه] مشروطه در باغ‌شاه واقع شده و

تلگرافاتی که شهرت داده شده بود از ولایات مبنی به مخالفت با تشکیل پارلمان رسیده که در باغ شاه ترتیب داده شده بود اشاعه یافت. پر واضح است که این نتیجه نمایشهای سه چهار نفر وزیر از قبیل صدراعظم و وزیر جنگ بوده که بواسطه تجدید حکومت مشروطه خیلی چیزها از دست آنها خواهد رفت. بنابراین من و همکار روسیم چنین صلاح دیدیم که فرصتی بدست آورده و برای شاه توضیح بنماییم که این اظهارات عقاید عمومی جعلی بهیچوجه آن اعلیحضرت را از تعهداتی که نموده اند مستخلص نمی کند. لهذا درخواست موقع شرفیابی نموده و شاه روز چهارشنبه وزیر مختار روس را بار داد و روز بعد من را. من به آن اعلیحضرت عرض نمودم علت درخواست نمودن موقع شرفیابی محرمانه این است که مجال مذاکره درباب اوضاع منقلبه حاضره را به آن اعلیحضرت داشته باشم و به آن اعلیحضرت اطمینان دادم که آنچه را عرض خواهم نمود فقط پیشنهاد صمیمانه ایست که برای منافع خود آن اعلیحضرت و مملکت او لازم است. پس از آن شروع به بیانات ذیل نمودم:

چنانچه خاطر مبارک آن اعلیحضرت مستحضر است مسلك اساسی دولت انگلیس و روس در ایران تبری جستن از مداخله به امورات داخلی این مملکت است. دولتین از این مسلك منحرف نخواهند شد.

بنابراین دولتین نظر به همجواری و دول کامل الوداد بودن صمیمانه مایلند که پیشرفت و مسالمت ایران را در ترقی ببینند و بواسطه روابط مستحسنة با این مملکت دولتین همیشه از وظایف خود شمرده اند که دولت اعلیحضرت شاه را با نصایح خیرخواهانه خود تقویت بنمایند. هم من و هم همکار روسی من منتظریم که نصایح مشفقانه ای که ما به دستورالعمل دولتهای متبوعه خودمان به آن اعلیحضرت عرضه می داریم در این موقع که مملکت ایران از بحران عظیمی می گذرد کاملاً استقبال بشود. بموجب اخباراتی که به ما رسیده است اهالی ایران چه در پایتخت و چه در ولایات در نهایت اضطراب و انقلاب هستند. اعلیحضرت شاه به رعایای خودشان تجدید استقرار مشروطه را وعده فرموده اند و این وعده بالصراحه به دولتین کامل الوداد مواجهاً اظهار شده.

حوادث شنبه گذشته با این وعده منافی است. از قرار مسموع در آن روز بموجب حکم وزراء قریب چند صد نفر مردم را در باغ شاه جمع نمودند که به مخالفت مشروطه اظهارات بنمایند و عریضه ای در این موضوع به معیت علماء ترتیب داده شده بود و به اعلیحضرت شاه تقدیم شده. بنده و همکار روسی من صمیمانه امیدواریم که این اظهارات که به توسط دشمنان مملکت و آنهایی که بهیچوجه مراقب مکنونات مردم نیستند ترتیب داده شده باعث انحراف اعلیحضرت از قصدی که داشته اند نشده و نقض قول اعلیحضرت را ننماید. مملکتی که از اغتشاشات و ناملايمات و سوء اطمینان بستوه آمده با کمال بی صبری منتظر اجرای این مواعید است. دولتینی که ما نماینده آنها هستیم نمی توانند به حد کافی در لزوم تسکین ملت اصرار بنمایند و برای اینکه از مخاطرات عظیمه ای که در پیش است و ما پیش بینی می نماییم و محتمل است نتایج

وخیمه‌ای در آتیه داشته باشد جلوگیری بشود بیش از این مبالغه نکنند. بهمچنین من و همکار روسی خودم با کمال افتخار توجه کاملهٔ اعلیحضرت را به اغتشاش حاضره معطوف می‌داریم که رفع این اغتشاش بسته به اجرای مواعیدی است که اعلیحضرت شاه به رعیت خود نموده‌اند.

در خاتمه میل دارم خاطر مبارک اعلیحضرت را به وضع رقت‌انگیز بعضی از اتباع خودشان که به جرم مقصر پلتیک‌بودن محبوسند معطوف بدارم. چونکه چندین ماه بی‌تکلیف و بدون تحقیق در مجلس مانده‌اند.

ما جسارتاً از جانب این اشخاص بدبخت درخواست ترحم و تفضل اعلیحضرت را می‌نماییم.

پس از آنکه اعلیحضرت مزبور اظهار امتنان از این نصایح نمود در جواب شرح مبسوطی بیان فرمودند.

چون روز پیش هم همین نوع عنوانات را از مسیو «دوهارت‌ویک» استماع نموده بود مدت کافی وقت از برای تهیهٔ جواب داشته و بی‌شبهه ناصحین ارتجاعی تعلیمات دقیقه به او داده بودند.

او بکلی منکر جعلی‌بودن اظهار حسیات عامه برخد مشروطه بود و اظهار داشت که یک قسمت بسیار عمدهٔ متنفذین مردم براین عقیده هستند که حکومت مشروطه مخالف اسلام است و در ترتیب‌نمایش به‌ضد مشروطه در باغ‌شاه وزراء دخالتی نداشتند اگر چه بدون تردید نفوذ علماء در این موضوع تأثیری داشته. اعلیحضرت شخصاً با تأسیس یک پارلمانی اظهار همراهی می‌نمود که ایران آن را لازم دارد ولی باید ترتیب آن بکلی با مجلس فرق داشته باشد. اعلیحضرت مزبور وضع حاضره را با وضع جاریه در اواخر سنهٔ ۱۹۰۶ بمثال سنجدیده و اظهار می‌داشت که در آن ایام دولت مخالف مشروطه بود و مردم طالب آن، حالا بر عکس، دولت طالب آن است و مردم مخالف آن.

آن اعلیحضرت ارادهٔ نقض عهد خود را ندارد و به‌نمایش در باغ‌شاه هم تمکین ننموده بلکه درصدد تأسیس مشروطه‌ای است که مناسب حال این مملکت باشد. قانون انتخابات به ولایات فرستاده شده ولی او باید فرصت داشته باشد که بتواند اطمینان حاصل بنماید تا چه حد مردم آن را قبول خواهند نمود.

عجله‌ای که در انتشار دستخط سابق او شده و بواسطهٔ فشار سفارتین بوده باعث انزجار کنونی شده حالا باید اینقدر مجال به‌او داده شود که مخالفین حکومت شوروی [= شورائی] را جلب بنماید.

در باب اشخاصی که محبوس هستند اعلیحضرت مزبور اظهار داشت که به عقیدهٔ او کسانی که هنوز در حبس هستند مقصرونند نه متهمین پلتیک‌بودن. ولی او وعده نمود که به‌صورت اسامی آنها مراجعه نماید.

من جواب دادم خیلی مسرورم از اینکه اعلیحضرت ارادهٔ تجدید استقرار مشروطه را دارد. من نمی‌خواهم به آن اعلیحضرت تجویز بنمایم که چه قسم حکومت مشروطه

برای ایران لازم است ولی آنچه برای منافع و مصالح لازم است این است که به هر زودی که ممکن باشد مردم از این خیالاتی که در مغز آنها جایگیر شده که اعلیحضرت شاه اراده ایفاء به مواعید خود را ندارد آسوده بشوند. من جسارت به مخالفت با آن اعلیحضرت نمودم که مخالف بودن احساسات عامه با حکومت مشروطه بی اصل است و مسلم است که عقیده عمومی بر این است که نمایش بر علیه [= علیه] مشروطه صمیمی نیست. پس از آن من اظهار نمودم که از تکمیل مواعید آن اعلیحضرت اثرات مستحسنة در وضع تبریز حاصل خواهد شد. ایفای به این ترتیب و اعطای عفو عمومی از برای استقرار صلح در آنجا بالاترین اقدام است.

از مذاکراتی که متعاقب شرح فوق به میان آمد دیگر گمان نمی کنم مطلب قابل الذکری باشد چونکه کلیتاً تکرار صحبت های فوق بود ولی چیزی که لازم است ذکر بشود این است که در باب تبریز شاه اظهار داشت آنهایی که در تبریز مسلح مخالف با او هستند، برای مشروطه جنگ نمی کنند اغلب از آنها آشوب طلبان قفقازی هستند و جنگی که يك سال است دایر است فقط يك نوع یاغیگری ایلیاتی معمولی است؛ من به آن اعلیحضرت اظهار نمودم که جنگ مزبور فوراً بعد از انهدام مجلس در اواخر ماه ژوئن شروع شد. من خاطر آن اعلیحضرت را متذکر نمودم که تبریزی ها جدیداً تلگرافی مبنی به اظهار فدویت مخابره نموده اند و به نظر من این موقع خوبی از برای عنوان صلح بود و عقیده خودم را تکرار نمودم که اعطای يك عفو عمومی و ایفای سریع به مواعید اعلیحضرت بهترین وسیله استقرار نظم است.

بعد از مرخصی خواستن من از شاه آن اعلیحضرت از مستر چرچیل که همراه من بود تقاضا نمود که يك لحظه در آنجا توقف نماید. آن اعلیحضرت از او خواستار شده بود که برای من توضیح بنماید که در حضور مترجم ایرانی آن اعلیحضرت میل نداشته این صحبت را بنماید و آن این است که قشونی که در باغ شاه با او هستند به این عقیده به پایتخت آمده اند که وجود آنها برای مدافعه از مذهب خودشان لازم بوده و اگر آن اعلیحضرت حکومت مشروطه را اعطا بنماید آنها به هیجان خواهند آمد چونکه عقیده آنها بر این است که مشروطه مخالف با اسلام است.

منظور این بود که من با خودم این عقیده را از محضر او ببرم که او سلطان خواهان مشروطه ای است و مایل به سلطنت شوروی [= شورائی] نمودن است ولی فقط تنفر اغلب از ملت او از مشروطه، او را از قبول يك همچه رویه ای مانع شده است در صورتی که البته این خیال بی اساسی است. برای غالب مردمان خارج از پایتخت و بعضی از شهرهای عمده یحتمل بی تفاوت باشد، ولی اکثر طبقات کم و بیش تربیت شده مسلماً خواهان حکومت مشروطه هستند خصوصاً تجار و اشخاصی که در این مملکت دارای شغل باتدینی هستند تأمین خود را در متابعت با تمذیات حالیه ناصحین غیرمسؤل شاه می دانند. من نمی توانم بگویم که امید نتیجه از این دو فقره شرفیابی حاصل است. «مسیو دوهارت ویک» که امروز از طهران حرکت نمود و يك نوبت دیگر دیروز به حضور شاه بار یافته بود به من اطلاع داد که در این نوبت شرفیابی خودش هم مفتناً يك

مرتبه دیگر با کمال جدیت با شاه مذاکره نموده و اعلیحضرت مزبور به او وعده داده که در عرض دو سه روزه آتیه دستخطی توزیع خواهد نمود. اگر ایفاء به این عهد هم بشود من تردید دارم که آیا اقدامات رضایت بخش را حاوی خواهد بود یا خیر چونکه اشخاصی که دخیل در تهیه یک همچو دستخطی بوده اند مسلماً از چند نفر معدود ایرانیان بیطرف و کامل نخواهند بود که آنطوری که شاید و باید مبنی [= مبنای] یک همچو نقشه ای را بترتیب مفیده قرار بدهند که منشأ اثرات مطلوبه بگردد.

جارج بارکلی

### نمره - ۱۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۹ دسامبر ۱۹۰۸)

طهران، ۹ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۷ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۶]

به سفارت روس همچو مشهود شده که حالا از وضع شاه اینطور مستفاد می شود که کمتر با مشروطه مخالفت دارد. چون این موقع برای اقدامات در این موضوع مغتنم است ما درخواست باریافتن به حضور اعلیحضرت مزبور را نموده ایم که ترجمانه های سفارتین شرفیابی حاصل نموده و دو فقره عریضه اهالی مشهد و استرآباد را که در باب خواستن مشروطه نوشته اند به شاه تقدیم بنمایند. ترجمانه های مزبور، باضافه، استفسار خواهند نمود که از مذاکره و مشاوراتی که آن اعلیحضرت در شرفیابی ۲۸ شهر ماضی به ترجمانه های مزبور اظهار داشته بود [که] در آنوقت جمعی مشغول بوده اند چه نتیجه حاصل شده.

### نمره - ۱۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۰ دسامبر)

طهران، ۱۰ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۸ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی قعدة ۱۳۲۶]

### شاه و مشروطه

«روزنامه رسمی ایران» دیروز اشعار می دارد که اعلیحضرت شاه رأی خود را براین قرار داده که مجلس مشاوره مفصلی مرکب از پنجاه نفر اعضاء تشکیل بدهد. اعضاء این مجلس مرکب خواهند بود از علماء و تجار و اشخاص بصیر به اوضاع مملکت و اشخاص دیگری که اهالی انتخاب بنمایند. این هیئت در تمام امورات شعبات مملکت نظارت خواهند داشت و در باب اصلاحاتی که برای مالیه و سایر دوایر دولتی لازم است مشاوره خواهند نمود.



## نمره - ۱۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸)  
 طهران، ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸  
 [۲۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف دهم شهر حال من  
 وزیر امور خارجه سواد نظامنامه ای را که برای مجلس مشاوره جدید مرتب گردیده  
 به من داده است. در این نظامنامه هیچ ذکری از انتخاب اعضاء دیگری غیر از آنهایی  
 که شاه انتخاب نموده نشده است. با وجود این بعضی نکات خوب در این نظامنامه  
 هست. در صورتیکه يك شاه خوش نیتی باشد و يك عده اعضاء متمدن صاحب عزم  
 و بحدی متدین که اقتدارات مفوضه به خود را بخوبی بکار ببرند بوده باشند این  
 اقدام جدید شاید بهترین احتمال تأسیس حکومت صحیحی را برای دولت ایران داشته  
 باشد. چنانچه معلوم است آن مجمعی است که نتیجه مجاهدات سه ماهه سفارتین است  
 و محتمل است بکلی بی فایده باشد و مشکل است انتظار داشت که این اقدام در اوضاع  
 ولایات شمالی اثرات مطبوعی حاصل بنماید.

## نمره - ۱۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۱۲ دسامبر)  
 طهران، ۱۲ دسامبر ۱۹۰۸  
 [۲۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۹ شهر جاری من.  
 وزیر امور خارجه به ما اطلاع می دهد که بواسطه علت مزاج عارضه اعلیحضرت نمی تواند  
 ترجمانهای سفارتین را بپذیرد. علاءالسلطنه خواهش نموده است مذاکراتی را که ما  
 می خواسته ایم با شاه بنماییم بتوسط او بنماییم. ما این خواهش را رد نموده ایم و  
 اظهار داشتیم که ممکن است پس از اعاده صحت مزاج اعلیحضرت ترجمانها را بپذیرند.

## نمره - ۱۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۴ دسامبر)  
 طهران، ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸  
 [۲۲ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۱۲ شهر جاری من.  
 از ترکیب هیئت مشاوره صراحتاً مشهود می شود که غرض از ترتیب نظامنامه این  
 مجمع فقط فریب دادن ما است.

بمناسبت امتناع شاه از پذیرفتن ترجمانهای سفارتین ما یادداشت مشترکی بتوسط وزیر امور خارجه تقدیم داشته و خاطر اعلیحضرت مزبور را از مواعید خودش آگاه نموده و خاطر نشان او نموده ایم که تشکیل مجلسی که مرکب از اعضاء منتخبه بتوسط خود او است برای ایفاء عهدی که آن اعلیحضرت نموده بودند مکفی نخواهد بود. ما پیشنهاد خود را تکرار نموده و فقط امید خاتمه پذیرفتن اوضاع ناهنجار حاضر را منحصر به تشکیل مجلس منتخبه عامه و اعطای عفو عمومی به اهالی تبریز نموده ایم.

### نمره - ۱۵

تلگراف سر نیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۱۵ دسامبر)

سن پترزبورغ، ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۶]

در ضمن ملاقاتی که من امروز با مسیو ایسولسکی نمودم با آنجناب در باب طفره از ایفای عهد نمودن شاه و رعایت ننمودن نصایح مامذاکره نمودم. من اظهار نمودم که باید با کمال تشدد به شاه تاکید بشود که ما نمی توانیم بگذاریم او این روش را تعقیب بنماید. مسیو ایسولسکی استفسار نمود چه اقداماتی من در نظر دارم. جناب معظم الیه [= معظم له] با اقداماتی که دال بر مداخلات مستقیم دولتین باشد مخالف بود. من اظهار داشتم که شاه تعهد نموده است که قانون انتخابات را اشاعه دهد و مجلسی تشکیل بدهد و ما جداً اصرار نموده ایم که عفو عمومی به اهالی تبریز اعطا بشود. اگر ما در همین موضوعها ایستادگی بنماییم کافی است.

ما باید جداً اصرار بنماییم که برای تکمیل این ترتیبات به شاه فشار بیاوریم.

### نمره - ۱۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۷ دسامبر)

طهران، ۱۷ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۵ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۲ ذی قعدة ۱۳۲۶]

بنا به تعیین وقتی که دیروز سعدالدوله با سفارت روس نموده و ملاقات با نماینده های دولتین را خواسته بود از برای تبلیغ پیغامی که از طرف شاه داشت امروز صبح مسیو سبلین [= سابلین] و سعدالدوله و من با هم ملاقات نمودیم. پیغام شاه این بود که استفسار نموده بود آیا در صورت اعطای مشروطه دولتین حاضر خواهند بود که چهارصد هزار لیره به او قرض بدهند یا خیر. سعدالدوله اظهار نمود که شاه اصرار بلیغی دارد که اگر من گمان می کنم که بتوانم مملکت را نجات بدهم مرا دخیل در کار بنماید ولی من از قبول آن امتناع نموده اظهار داشتم که دخیل در کار نخواهم شد

(۱) معظم له: بزرگ داشته شده - م.

مگر در صورت حکومت شوروی [= شورائی] و نیز برای آن اعلیحضرت توضیح نمودم که یگانه امید بهبودی در اوضاع حاضر منحصراً به استقرار مشروطه است. ظاهرأ حالا شاه برای قبول آن حاضر شده و به او امر نموده است که از نماینده‌های دولتین در باب استقراض استفسار نماید. من از جانب نماینده‌های دولتین جواب دادم که به اعلیحضرت شاه اطلاع بدهید که عجزاً بهیچوجه امید آن نیست که دولتین برای دادن قرض منظوره حاضر بشوند مگر در تحت حکومت مشروطه و مقصود از این مشروطه آن نیست که فقط شاه دستخطی صادر نموده و وعده اعطای مشروطه به رعایای خود بدهد، بلکه لازم است که مشروطه به موقع اجرا گذارده بشود و تأمینات لازمه به دولتین داده بشود که وجه استقراض به محللای بقاعده صرف بشود. اگر چه من ترتیب یک همچو تأمین را نمی‌توانم قطعاً اظهار بدارم ولی دولتین اطمینانات از طرف مسیو بیزو لازم خواهند داشت مبنی بر اینکه آن تأمینات کافی است. از قراری که من استنباط نمودم اعلیحضرت شاه بیم آن را دارد که تأمینات از قبیل اشغال گمرکات یا خاک ایران باشد. من سعدالدوله را از این نکته مطمئن نمودم ولی در ضمن تصریح نمودم که طبیعتاً ما تأمیناتی از برای تأدیة فرع وجه استقراض لازم خواهیم داشت. من نیز اظهار داشتم که اوضاع مملکت از بد به بدتر رسیده و اصرار نمودم که اگر اعلیحضرت شاه اکنون جدیت دارند، بدون دفع وقت مقاصد حسنة خود را به رعایای خود اعلام بدارند. اگر چه دولتین ترتیب یک مشروطه‌ای را که مناسب حال مملکت باشد نمی‌توانند تشریح بنمایند ولی من به سعدالدوله اطمینان دادم که اگر او محتاج به تقویت و نصیحت ما در مساعی خودش برای ایجاد نمودن یک قسم مشروطه باشد او می‌تواند وثوق کامل به دولتین داشته باشد که از بذل آن مضایقه نخواهند نمود. سعدالدوله در موقع خروج خودش از سفارت بظاهر خیلی خوش وقت و امیدوار می‌نمود.

### نمره - ۱۷

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گوی (واصله در ۲۱ دسامبر)

طهران، ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۶]

آقا

چنانچه در تلگراف ۲۲ شهر جاری خودم اطلاع داده‌ام در ۱۹ شهر حال نمایش دیگری در باغ شاه به مخالفت انعقاد مجلس داده شد. آنچه در آن محضر واقع شده عیناً واضح نیست ولی یقین است که عریضه از طرف علماء که بدستور شیخ فضل‌الله و امام جمعه و صدراعظم و شاهزاده نایب‌السلطنه عمو و پدیر زن شاه و امیربهادر جنگ ترتیب داده شده بود به شاه تقدیم شد. عریضه مزبور مشعر براین بود که مجلس مخالف اسلام است و اعلیحضرت شاه با یک نوع اکراه ظاهری دستخطی به

مضمون مطلوب صادر نمود.

دستخط مزبور در ۲۱ شهر حال به مطبعه دولتی فرستاده شده بود و در همان روز صدر اعظم در جواب سؤالی که من بتوسط عباسقلی خان نموده بودم اظهار داشته بود که بمحض طبع شدن منتشر خواهد شد.

من و همکار روسی خودم پس از مشورت با هم موافقت نمودیم که یادداشتی به امضاء خودمان به وزیر امور خارجه بنویسیم و تأکید بنماییم که شاه تجدید نظری در رأی قطعی خود بنماید. چون وقت آن گذشته بود که بتوان اشاعه یافتن دستخط شاه را ممانعت نمود به جهت اینکه دستخط مزبور غروب همانروز به دست عموم رسیده بود و به ولایات نزد علماء فرستاده شده و امر بر انتشار آن شده بود. بعد از آن من تحقیق نموده و ملتفت شدم که یادداشت ما را علاءالسلطنه تا غروب ۲۳ به نظر شاه را ممانعت نمود به جهت اینکه دستخط مزبور غروب همان روز به دست عموم رسیده نرسانده بود. علی الظاهر یادداشت مزبور اثر فوری نموده بود چون که در همان شب به طبع کننده امر شده بود که دیگر هیچ نسخه‌ای از آن دستخط را توزیع ننماید و در جمع نمودن نسخه‌هایی که منتشر شده بود کوشش نمودند. شب عید علاءالسلطنه بتوسط مستر چرچیل به من پیغام داده بود که روز بعد به ملاقات من خواهد آمد و حقیقت کیفیت دستخط مزبور را توضیح خواهد نمود.

علاءالسلطنه امروز نزد من آمده و اظهار داشت که حسب الفرموده<sup>۲</sup> شاه آمده است که بعضی اطلاعات اضافی در باب دستخط به من بدهد. معظم‌الیه [= معظم‌له] اظهار داشت که غرض از دستخط مزبور این نیست که شاه تشکیل مجلسی نخواهد داد بلکه فقط مجلسی مثل مجلس سابق تأسیس نخواهد نمود. باضافه دستخطی که حقیقتاً بشود آن را دستخط گفت نیست فقط جوابی است که به علماء داده شده و رسمیت ندارد چونکه آن بتوسط صدر اعظم توزیع نشده و علماء آن را طبع و نشر نموده‌اند. من جواب دادم موجب کمال اسف است که اصلاً آن توزیع شده و از معزیه<sup>۳</sup> سؤال نمودم که آیا ممکن است من به دولت متبوعه خودم اطلاع بدهم که انتشار آن برخلاف امر شاه بوده. همچو می نمود که معزیه از دادن جواب صریح احتراز دارد ولی بالاخره اظهار نمود که ممکن است من تلگراف بکنم که تا اندازه‌ای که او اطلاع دارد دستخط مزبور حسب الامر شاه طبع نشده و اعلیحضرت معظم هنوز در صدد است که مجلسی مناسب احتیاجات مملکت و مطابق با قوانین اسلام تأسیس بنماید چنانچه در دستخط ۲۴ سپتامبر خودش هم وعده داده است.

من استنباط نمودم که مجلس منظوره چیز دیگری بجز يك مجلس مشاوره که اعضاء آن را شاه معین بنماید نخواهد بود و من از معزیه استفسار نمودم چه وقت باید منتظر قانون انتخابات بود. او جواب داد که اعلیحضرت معظم امر به تهیه آن نموده است ولی بواسطه بیانات آشکار مردم بر ضد تأسیس مشروطه انتشار آن به عمده تأخیر

(۲) چنین امت در اصل: (= حسب الامر) - م.

(۳) کسی که چیزی باو نسبت داده شده - م.

افتاد.

پس از آن شرح مبسوطی در باب صلاحیت مجلس مذاکره شد. بالاخصتصار من عقیده خودم را تکرار نمودم که اعاده نظم در تبریز و استقرار آسایش در بقیه نقاط ایران فقط بسته به تشکیل مجلس منتخبه است. معزیه الیه اظهار داشت عقیده او براین است که انقلاب آذربایجان بهیچوجه مربوط با مسئله مشروطه نیست و ایران برای حکومت پارلمانی مستعد نیست، چنانچه زیادروی‌های مجلس سابق دلیل براین مه‌عا است و قسمت عمده مردم مخالف با مشروطه هستند. او نیز اظهار داشت شاه خوف آن را دارد که اگر مجلسی تأسیس بشود باعث خونریزی بسیار خواهد شد چونکه احساسات برضد آن بیشمار است و او يك دسته تلگرافات ولایات را برای اثبات حسیات عمومی بضد مشروطه ارائه داد. او سؤال نمود که آیا من در صحت این تلگرافات تردیدی دارم. من جواب دادم خیر تردیدی ندارم. ولی مع ذلك آنها را نمی‌توانم شاهد بر احساسات واقعی عمومی قرار بدهم؛ تا اندازه‌ای من اطلاع دارم اهالی پایتخت و طبقات تربیت شده و کسانی که در مملکت دارای اعتبارات هستند خواهان مجلس منتخبه هستند که آن مجلس ناصحین منافق‌شاه را در تحت یک کنترول و نظارتی قرار بدهد. اغلب مردم عوام یحتمل چندان در قید مشروطه نباشند ولی چیزی که آنها می‌خواهند تأمین و مسالمت است و این هم با این ترتیب ناهنجار کنونی میسر نخواهد شد.

من از علام‌السلطنه خواهش نمودم که ترتیب بار یافتن ترجمانه‌های سفارتین را بدهد. معظم‌الیه [= معظم‌له] این تقاضا را تأیید نموده و پیشنهاد نمود که در عوض ترتیب بار یافتن محرمانه‌ای برای خود من بدهد. من اظهار نمودم که شرفیابی سابق من چندان نتیجه سودمندی نبخشیده و به عقیده من از مذاکرات مشفقانه شاه با مترجمها محتمل است نتایج مفیدتری حاصل بشود. اگر من شرفیابی مجددی بخواهم حاصل بنمایم باتفاق همکار روسی خودم خواهد بود؛ یحتمل بموجب او امر دول متبوعه خودمان ما مجبور به تجدید عنوانات هم با آن اعلیحضرت بشویم. برای احتراز از این مسئله است که ما تقاضای بار یافتن ترجمانه‌های خودمان را می‌نماییم. از استماع اینکه ما باید عنوانات دیگری هم بنماییم آثار کنجکاوی در معزیه الیه ظاهر گشت و اظهار داشت از این نگران است که مبادا ترجمانه‌ها از آنچه باید بگویند تجاوز نمایند. من او را در این باب مطمئن نمودم و بالاخره او راضی شد که تعیین موقع شرفیابی منظوره را موکول به میل شاه بنماید.

ایضاً ترجمه دستخط شاه و سواد یادداشت مشترکه مورخه ۲۲ نوامبر خودمان را ارسال می‌دارم.

(امضا) جارج بارکلی

## ملفوظه نمره ۱ در نمره ۱۷

دستخط مورخه ۱۹ نوامبر [۲۷ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۴ شوال ۱۳۲۷] شاه

بسم الله الرحمن الرحيم

جنابان مستطابان علماء عظام

پنویسته منظور نظر ما بوده و هست که دین مبین اسلام و قوانین حضرت رسول را تقویت و حفظ نماییم. حالا که شما اظهار داشته‌اید استقرار مجلس با قوانین اسلام مخالف است و نامشروع بودن آن را فتوا داده‌اید و علمای ولایات هم کتبا و تلگرافاً نامشروع بودن آن را فتوا داده‌اند لهذا ما هم بکلی از این عزم صرف نظر نموده و حتی در آتیه هم هیچ ذکری از چنین مجلسی نخواهد شد ولی بتوجه امام عصر عجل الله فرجه تعلیمات لازمه برای بسط عدل و داد داده شده و خواهد شد. جنابان عالی از این نیت ملوکانه ما برای انبساط عدالت و حفظ حقوق رعایای خودمان و علاج مفاسد بر حسب قوانین شرع مبین البته تمام طبقات را مستحضر خواهید داشت.

محمدعلی شاه قاجار

## ملفوظه نمره ۲ در نمره ۱۷

یادداشت مشترکه به علاءالسلطنه

طهران، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸

[۳۰ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۶]

حضرت اشرف

نماینده‌های دولتین انگلیس و روس با کمال تعجب و تأسف استماع نموده‌اند که اعلیحضرت شاهنشاهی پیروی تعلیمات سوء ملتزمین خود را نموده عریضجاتی که بهیچوجه حاوی احساسات حقیقی ملت نیست بهانه قرارداد و قصد ندارند که تشکیل مجلسی از نمایندگان ملت بنمایند. نماینده‌های دولتین دول متبوعه خود را بوسیله تلگراف از این عزم تأسف‌آمیز شاه مستحضر خواهند نمود که از این عزم مشهور است اعلیحضرت معظم در صدد ایفاء به مواعید خود که مکرر به ملت خود و نماینده‌های دولتین داده است نیست و از وظایف نماینده‌های دولتین است که به همین زودیها حسب الامر دول متبوعه خودشان عنوانات لازمه نموده و اعلیحضرت شاه را آگاه بنمایند که برای منافع شخصی خود و مصالح مملکت خود از آن اراده جدیدی که نموده صرف نظر بنماید.

نماینده‌های دولتین مادامی که منتظر تعلیمات از دول متبوعه خودشان هستند با اینکه از مداخله در امور داخلی ایران احتراز می‌جویند تکلیف خود می‌دانند که تکرار و تأکید در این یقین خود بنمایند که فقط وسیله تسکین و ترضیه اهالی که بواسطه روش مخالفانه شاه نسبت به مشروطه در خطه آذربایجان علم طغیان برافراشته و

همچنین در پایتخت و سایر ولایات در غلیان و هیجانند این خواهد بود که اعلیحضرت همایونی خود را از قید صلاح‌اندیشی اشخاصی که فایده خود را در دوام حالت منقلبه کنونی می‌دانند آزاد نموده و حکومت شوروی را مجدداً تأسیس بنماید.

جارج بارکلی - سبلین

### نمره - ۱۸

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)

طهران، ۲۹ نوامبر ۱۹۰۸

[۷ آذر ۱۲۸۷؛ ۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مکتوب مورخه ۲۵ شهر جاری خودم باکمال افتخار ترجمه مراسله دولت ایران را لفاً تقدیم می‌دارم که در جواب یادداشت مشترکه من و همکار روسی من است که در ۲۲ شهر حال به وزیر امور خارجه به امید ممانعت از توزیع دستخط شاه مشعر بر منصرف شدن از تشکیل مجلس نوشته بودیم. جنابعالی از آن ملاحظه خواهید نمود که از ما درخواست نموده‌اند که به مقامات لازمه اعلام بداریم که شاه قصد اعطای مجلسی دارد که مناسب طبیعت مملکت و شرایع اسلام و عادات ایرانیان باشد. بی‌شبهه غرض از اعطای این مجلس همان هیئت مشاوره‌ای است که شاه تعیین نموده و تشکیل آن را در ۲۸ شهر حال اعلیحضرت معظم به ترجمانه‌های سفارتین اعلام نموده و سابقاً در تحت مکتوب علیحده به جنابعالی اطلاع داده شده. ملاحظه خواهید فرمود که فراز اول مراسله خیلی در هم است. مع‌هذا مقصود بقدر کفایت واضح است به این معنی که می‌خواهند به من و همکار روسی من مطلب را مشتبه بنمایند که عنوانات ما مبنی به افواه غیر موجه است. دولت ایران تا این درجه زیادروی نمی‌نماید که اطلاعات ما در باب فسخ عزیمت شاه از تأسیس مجلس نمایندگان را تکذیب بنماید. خود صدر اعظم شخصاً تا این اندازه را به من اطلاع داد و این عزم شاه نیز روی کاغذ آورده شده موشح به امضای او گردیده و در مطبعه دولتی بطبع رسیده و چندی اشاعه یافته ولی آنها اظهار می‌دارند که ما هیچ دلیلی از برای نسبت دادن این عزم را [به] نصیحت‌های منافقانه درباری‌های اعلیحضرت معظم نداریم و اعلیحضرت شاه محتاج به نصایح آنها نیست و آن درباری‌ها همچو عقیده ندارند و این عبارتی است که اگر اصلاً حاوی معنائی باشد مفاد آن این است که درباریان شاه با تأسیس مجلس نمایندگان مخالف نیستند که حقیقتاً ادعای عجیبی است.

یادداشت ما اثر خود را نمود چون بمحض تقدیم شدن به شاه امر صادر شد که دستخط مزبور توقیف بشود و من و همکار روسی من گمان می‌کنیم که از این اسناداتپاه

که اقدام ما مبنی به افواهاات بی اساس بوده می توان اغماض نمود.  
(امضا) جارج بارکلی

### ضمیمه نمره ۱۸

ترجمه مراسله علاء السلطنه به سر جارج بارکلی

طهران، ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸

[۵ آذر ۱۲۸۷؛ ۲ ذی قعدة ۱۳۲۶]

جنابا

با کمال احترام وصول یادداشت مورخه ۲۲ نوامبر جنابعالی را اطلاع می دهم. نسبت نصایح منافقانه دادن که به درباریان داده شده و فقط مبنی بر يك راپورت در این باب است و هیچ اساسی ندارد و باعث تعجب و تأسف نمایندگان محترم دولتین شده بیشتر اسباب تعجب و تأسف این جانب گردید بجهت اینکه جنابعالی این بیان تأسف آمیز را مبنی به يك راپورتی نموده اید و قبل از آنکه تحقیقی در صحت این راپورت بنمایید به این درجه تصور و خیال خودتان را آزاد نموده اید و درباریان دولت شاهنشاهی را فقط به اعتقاد اینکه همه نظر و عقیده ای دارند آنها را لکه دار نموده اید در صورتیکه آنها بهیچوجه در این عقیده نیستند. لله الحمد اعلیحضرت شاهنشاهی با ذکاوت و درایت و مراقبت کامله ای که در حفظ اساس حکومت پادشاهی و همچنین برای رفاه و آسایش ملت خودشان بروز و ظهور می دهند بهیچوجه محتاج به نصیحت درباریان خود نیستند. اعلیحضرت شاهنشاهی طبیعتاً در تکالیف خود بصیر و در وظایفی که برای مملکت داری و رعیت پروری لازم است بخوبی آگاهند. اعلیحضرت شاهنشاهی نیز بخوبی از عادات و رسوم اهالی ایران استحضار دارند و به اقتضای وقت عمل نموده و مجلسی اعطاء خواهند نمود که مناسب احتیاجات زمان و مذهب و عادات ایران باشد نه اینکه باعث آشوب و انقلاب مملکت بشود. بی مناسبت نمی دانم که توجه جنابعالی را به اوضاع مملکت در عرض دوساله حکومت مشروطه معطوف بدارم که باعث همه نوع بی نظمی گردید و باید خاطر نشان جنابعالی بنمایم که اعطای يك همچو مجلسی مثل مجلس سابق مناسب احساسات عمومی نیست و این اندازه آزادی بی قاعده است و باعث بروز انقلاب و مفاسد خواهد شد چنانچه مشاهده شده است.

نظر به روابط و دادی که مابین دولتین جاری است و نماینده های محترم دولتین مایل به ابقاء و تشیید آن هستند من امیدوارم جنابعالی به مقامهای لازمه اعلام خواهید فرمود که قصد اعلیحضرت اعطای يك مجلسی است که مناسب با طبیعت مملکت و شرایط اسلام و عادات اهالی ایران باشد بطوریکه مملکت و ملت به توجهات ملوکانه در رفاه باشند.

امضاء محمد علی علاء السلطنه



## نمره - ۱۹

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)  
 طهران، ۳ دسامبر ۱۹۰۸  
 [۱۱ آذر ۱۲۸۷؛ ۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار صورت خلاصه وقایع اتفاقیه در عرض چهار هفته ماضی ایران را  
 برحسب معمول لفا ارسال می‌دارم.  
 امضاء جارج بارکلی

ضمیمه نمره ۱۹  
 خلاصه وقایع ماهانه

## اخبار عمومی

سفارتین انگلیس و روس به توسط ترجمانهای خودشان به دولت ایران در باب  
 حمله قشون دولتین به يك قریه ارامنه در حوالی تبریز و مقتول و مجروح شدن يك  
 عده ارامنه اظهارات متفقاً نمودند.  
 بروز وقایع جدیده در مشهد که بی‌شبهه مربوط به حضور سید محمد مجتهد طهرانی  
 در آنجا است بهمچنین عدم امکان ورود عین‌الدوله با قشون شاه به تبریز بر عسرت  
 مالیه افزوده.

امضا چرچیل، وکیل شرقی به تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۰۸  
 [۱۰ آذر ۱۲۸۷؛ ۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

## تبریز

جنرال قنسول انگلیس در نهم نوامبر [۱۷ آبان؛ ۱۴ شوال] از ارومیه وارد شد.  
 به تاریخ ۱۱ نوامبر معزی‌الیه اطلاع داد که از قرار مذکور يك عده استعداد اضافه‌ای  
 مرکب از ۴۰۰ نفر سوار وارد شده و در باسج به فرمانفرمای آذربایجان ملحق  
 شده‌اند. در سیزدهم يك عده از قشون دولتی در تحت صمصام‌خان از اوامر حکمران  
 سرپیچی نموده به مجامبار حمله برده بسیاری از ارامنه را مقتول و مجروح نمودند. در  
 همین تاریخ سیصد نفر قزاق ایرانی با شش عراده توپ به اردوی دولتی ملحق شدند  
 ولی مستر راتیسلا اطلاع داد که ورود آنها تولید اثری در تبریز ننمود.  
 در ۱۶ نوامبر [۲۴ آبان؛ ۲۱ شوال] قشون ملتی مراغه را تصرف نمودند ولی در  
 ۳۰ نوامبر [۸ آذر؛ ۵ ذی‌قعدة] خبر رسید که آنها را از آنجا عقب نشانده و به تبریز  
 رجعت نمودند. در ۳۱ نوامبر انجمن محلی در دیلمقان (سلماس) مجدداً تشکیل یافت  
 و در ۲۳ [یکم آذر؛ ۲۸ شوال] بناب، واقعه در ساحل شرقی دریاچه ارومیه، را ملتیان  
 بعد از مجادله با سواران چهار دوالی تصاحب نمودند.

در ۱۸ نوامبر [۲۶ آبان؛ ۲۳ شوال] ملتیان تلگرافات به پارلمان لندن و پاریس و سن پترزبورگ مخابره نمودند و بر علیه (= علیه) راپورتهای دروغی که در باب مخاطره اتباع خارجه داده شده پرست نمودند.

#### رشت

اردوکشی حکمران به طالش منجر به عدم موفقیت کامل گردید. قشون او هنگام عبور دهات را غارت نموده و در بعضی نقاط به اموال اتباع روس خسارت وارد آوردند. به تاریخ ۱۵ نوامبر [۱۳ آبان؛ ۲۰ شوال] در گرگانرود اهالی به آنها هجوم نمودند و آنها فرار نموده يك عراده توپ را هم از دست دادند عقیده مستر رابینو براین است که اعزام قشون لازم نبوده چونکه گرگانرودیها مکرر اظهار فدویت و موافقت در قبول هر حاکمی بجز سردار امجد نموده اند بواسطه اینکه در ایام ماضی او خیلی ظلم به آنها نموده.

در ۱۵ نوامبر، عمارت گمرک در انزلی را آتش زدند ولی قبل از اینکه خسارت زیادی وارد بشود اطفای حریق شد. مظنون است که این کار ملتیان باشد که می خواسته اند به این واسطه مقدار کثیری اسلحه و آلات ناریه ای که برای شاه وارد شده بود و در گمرک بوده معدوم بشود. تقریباً یکصد و هشتاد قبضه تفنگ ضایع شده است.

#### مشهد

مکتوبی به اسم علماء کربلا که اهالی خراسان را دعوت به هیجان نموده بود و مشعر به تشدد بسیار نسبت به شاه بود در ماه اکتبر در اینجا منتشر گردید و باعث تهییج زیادی شد. راپورت تلگرافی از مشهد مشعر براین است که در ۲۹ نوامبر [۷ آذر؛ ۴ ذی قعدة] تقریباً ۴،۰۰۰ نفر طلاب در حرم جمع شده و بازارها را بستند. روز بعد بواسطه دستگیر شدن یکی از متقدمین آشوب طلبان انقلابی بروز نموده و مابین طلاب و قشون شلیکی واقع شده. در غره دسامبر [۹ آذر؛ ۶ ذی قعدة] اوضاع جالب اهمیت شده و عده شورشیان زیاد شده بسیاری از کسبه به طلاب ملحق شدند و قشون در معابر جمع شده و قراول می دادند.

#### استرآباد

از استرآباد به سفارت روس خبر داده شده که در آنجا اغتشاش بروز نموده و حکومت مؤسسنین انقلاب را به بمباردمان شهر تخویف نموده.

#### اصفهان

در هشتم نوامبر [۱۶ آبان؛ ۱۳ شوال] حکومت نظامی در اصفهان دائر گردید ظاهراً به قصد اینکه از متهییج نمودن علماء مردم را به ضد حکومت، جلوگیری بشود. از آن تاریخ به بعد شهر آرام بوده.

مقارن ۲۰ نوامبر [۲۸ آبان؛ ۲۵ شوال] تلگرافی از طرف علماء مرتجع طهران به علمای اینجا مخابره شده بود مبنی بر اینکه شاه از خیال تأسیس مشروطه بکلی منصرف شده. تلگراف مزبور در اصفهان منتشر نگردید. کلیه طریق بجز راه بختیاری پر از سارقین است. در ۱۷ شهر حال [۲۵ آذر؛ ۲۲ ذی قعدة] در حوالی یزدخواست، قافله‌ای مرکب از سی اشتر با سارقین مصادف شده و شترها را با محمولاتشان بسرقت بردند؛ ۲۰ نفر قزاقی که از یزد به بافق فرستاده شده بود دچار حمله غفلتی سارقین شده و تمام دارایی آنها بسرقت رفته سوای دو قبضه تفنگ و بعضی از اسبهای آنها که داغ داشته.

#### یزد

اهالی تفت بتازگی ۲۵ نفر سواری را که برای جمع‌آوری مالیات به آنجا فرستاده شده بود بحد وافر زده ملبوس و تفنگهای آنها را مأخوذ داشته و بعضی از آنها را به عنوان گرو نگاه داشته‌اند که حکومت تفتی‌هایی را که به شهر یزد می‌روند توقیف نماید. حالا تفتی‌ها شروع به باج‌گرفتن از قوافل نموده‌اند.

#### کرمانشاه

در اواسط نوامبر ایل کلهر و گوران وارد سرپل که يك منزلی قصر شیرین است شدند به قصد اینکه به صمصام‌الممالک رئیس ایل سنجایی که حاکم قصر شیرین است حمله ببرند.

در ۱۴ اکتبر [۲۱ مهر؛ ۱۸ رمضان] ۶۴ نفر از سربازان بزچلو به قنسولخانه آمده و اظهار می‌دارند تا حقوق دوساله آنها که عقب‌افتاده است به آنها پرداخته نشود از آنجا خارج نخواهند شد. کفیل قنسلوگری انگلیس مداخله در این امر نمود ولی حکومت حقوق آنها را تماماً پرداخت و در ۲۱ اکتبر [۲۸ مهر؛ ۲۵ رمضان] خارج شدند.

#### شیراز

مقارن ۲۰ اکتبر [۲۷ مهر؛ ۲۴ رمضان] فوج کمره مرکب از ششصد نفر وارد شیراز شدند. بموجب راپورت واصله، ناحیه لار معرض تاخت و تاز و تعدیات سید عبدالحسین لاری می‌باشد و مشارالیه اعلان نموده است پرداخت مالیات به شاه حالیه مخالف اسلام است.

سرقتهای متواتره هنوز هم در راه اصفهان و هم در جاده بوشهر واقع می‌شود. بتازگی در حوالی سیوند پست را سرقت نموده و سورچی گاری را با کمال سبعیت مقتول نمودند.

سرقتهای بسیار نیز در حوالی شهر واقع شده است.

امضا      ماژور استکس آتاشه میلیتر

## نمره - ۲۰

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ دسامبر)

طهران، ۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۲ آذر ۱۲۸۷؛ ۹ ذی قعدة ۱۳۲۶]

آقا

با کمال افتخار سواد یادداشتی را که مستر چرچیل نوشته لفا ارسال می‌دارم که مشعر بر مذاکراتی است که در شرفیابی ۲۸ ماه گذشته او و مسیو بارانوسکی به حضور شاه بعمل آمده. مجلس مشاوره‌ای که تشکیل آن را شاه به ترجمانهای سفارتین اطلاع داده و از اعلیحضرت معظم درخواست شد که نوشتن قانون انتخابات را رجوع به آن هیئت بنمایند قسمت عمده آن مجمع متشکل<sup>۶</sup> از اشخاصی است که دارای نظریات ارتجاعی هستند و اگر شاه متقاعد به داخل نمودن اشخاص آزادیخواه در آن مجمع نشود انتظار داشتن مساعدت از طرف آنها برای تجدید حیات مشروطیت بی‌فایده است.

امضا جارج بارکلی

مجدد: الان ترجمه رقعهای را دیدم که صدراعظم به اعضای مجلس که مسمی به مجلس عالی مملکت است نوشته و امر به اجتماع آنها نموده است. از قرار مذکور وظایف آنها نظارت در امورات وزراء و حکام ولایات است (اوامر و دستوراتی را که اعلیحضرت همایونی برای آنها مقرر فرموده اصفاء نموده و اطلاع حاصل نمایند).

امضا ج. ب.

## ملفوفه در نمره ۲۰

## یادداشت مستر چرچیل

من و مسیو بارانوسکی را امروز صبح نیم ساعت قبل از ظهر در بالاخانه عمارت باغ شاه که سابقاً مجلس مقصرین پلتیکی بوده است شاه بار داد. در موقع شرفیابی بجز شاه و ما، کس دیگری حاضر نبود.

مسیو بارانوسکی عنوان نموده که ما از جانب وزیر مختار انگلیس و شارژدافر روس شرفیاب شده که از آن اعلیحضرت سؤال نماییم برای ایفاء به مواعید خودشان چه اقداماتی فرمودند.

شاه جواب داد که جواب او در مقابل این سؤال خیلی مطول است و اوراقی لازم دارد که عجالتاً حاضر نیست و توضیحاتی که او می‌خواهد بدهد بعدی مفصل است که او وزیر امور خارجه خود را به سفارت انگلیس و روس خواهد فرستاد که آن توضیحات را شرح بدهد.

من به شاه عرض نمودم علت اینکه مسیو بارانوسکی و من به حضور آن اعلیحضرت فرستاده شده‌ایم این است که آن اعلیحضرت بی‌مضایقه نظریات خودشان را بدون پرده‌پوشی به ما اظهار بدارند. قصد ما هم این است که بهمین قسم بدون ملاحظه و مضایقه صحبت بنمائیم و در حقیقت ما تصور می‌کنیم که می‌توانیم به آن اعلیحضرت مشهود بداریم که نظریات و منافع دولتین انگلیس و روس با نظریات و منافع آن اعلیحضرت حکم واحد را دارد.

شاه جواب داد من حاضریم بی‌مضایقه صحبت بنمایم ولی اشکال در اینجا است که کسی به من گوش نمی‌دهد. من اظهار نمودم همه‌کس با آن اعلیحضرت موافقت دارد که مجلس اولی بی‌حاصل بوده و هیچکس میل ندارد آن وضع مغشوشی که اعلیحضرت شاه آن را خاتمه داده‌اند اعاده نماید ولی ترتیب حاضره هم بکلی بهمین بدی بلکه بدتر است و نمی‌توان گذارد این ترتیب ممتد بشود. شاه تکرار نمود که کسی به من گوش نمی‌دهد و اظهار داشت من قصد داشتم که به‌مواعید خودم ایفا نمایم. پس از آن من دستخط جدید او را از جیب خود بیرون آورده اظهار داشتم که این فرمایش اخیر آن اعلیحضرت با عنوانات در دستخط مخالف است ولی شاه حرف من را قطع نموده ورقه مزبور را از من گرفته و سعی نمود توضیح بنماید که عبارت «حتی ما ذکری از چنین مجلسی نخواهیم نمود» راجع به مجلس سابق است و اشاره فرمودند که ظاهراً شما خط ایرانی را نمی‌توانید بخوانید.

بعد از آن مسیو بارانوسکی با کمال مبالغه به شاه اصرار نموده که ایفاء به‌مواعید خود که یگانه وسیلهٔ اعادهٔ نظم و استقرار آسایش در تبریز است بنماید. بیم تحسن پیوسته هست و هیچ کس مجلسی مثل مجلس سابق نمی‌خواهد ولی یک قسمت عمدهٔ مردم جازم هستند که حکومت شوروی داشته باشند. شاه در جواب اظهار داشت که از طرف دیگر بسیاری از مردم هم مخالف با آن هستند و اگر امروز من حکم انتخابات را صادر بنمایم مسلماً فردا خونریزی خواهد شد. پس از این بیان من به آن اعلیحضرت اظهار داشتم این بالاترین دلیل روشن انتفاع شخصی است که درباریان آن اعلیحضرت تعقیب نموده‌اند. اگر آنها به آن اعلیحضرت عرض نموده‌اند که مردم مخالف با مجلس هستند مطالبی را که صحت ندارد عرض نموده‌اند. از این اظهار شاه همچو به‌نظر آمد که این اسناد را نپسندیده و به حمایت درباریان خود فرمایشات تند فرمودند. مسیو بارانوسکی مجدداً به شاه اصرار نمود که ایفاء به‌عهد خود بنماید و همین که شاه از مجلسی که فردا قرار است تشکیل بشود مذاکره نمود مسیو بارانوسکی اظهار داشت هیئتی که بتوسط خود شاه انتخاب شده‌اند آن نیست که وعده شده است و اعضاء مجلس را مردم بایستی انتخاب بنمایند. شاه تکرار نمود که اکثریت مردم مخالف مجلس‌اند. مسیو بارانوسکی فقط جواب داد که خیر، مسئله اینطور نیست، و دیگر شاه جوابی نداد. مسیو بارانوسکی اظهار داشت که بهترین روش از برای آن اعلیحضرت این است که به مجمع عالی جدید امر بنماید قانون انتخاباتی بنویسند که بتوسط آن مجلس تشکیل داده بشود مرکب از وکلای فهیم که در مصالح لازمه و اصلاحات مملکت با

وزراء معیت بنمایند. مجلس مثل سابق مرکب از کسبه و اشخاص جاهل نخواهد بود و هیچ کس مایل به تأسیس انجمنها یا مطبوعات آزاد مثل سابق نیست. شاه اظهار داشت در باب این پیشنهادهای مذاقه فرموده و با آنهایی که باکمال تشدد مخالف مجلس هستند در این باب مذاکره خواهد نمود.

من اظهار داشتم که اگر خود اعلیحضرت درك بفرمایند که مداومت ترتیب حاضره چقدر خطرناک است و برای منافع خود آن اعلیحضرت چقدر لازم است که ترتیب جدیدی بدهند و در واقع در ترتیبات جدید پیشقدم بشوند که شروع به اصلاحات لازمه بشود. دیگر بهیچوجه لازم نخواهد بود که اعلیحضرت در باغشاه توقف بنمایند. شاه اکیداً اظهار داشت که من از مراجعت به قصر شهر بهیچوجه خوف ندارم. توقف من در باغشاه برای این است که من این مکان را دوست دارم. مسیو بارانوسکی مجدداً اصرار نمود که قطعاً بدانند آیا آن اعلیحضرت رأی خود را بر این قرار داده است که هیئت مجلس جدید را به نوشتن قانون انتخابات مأمور بنماید و شاه تکرار نمود که پس از تعمق در این مسئله و مذاکره با آنهایی که با تشکیل مجلس منتخبه مخالف هستند بتوسط وزیر امور خارجه خود به وزیر مختار انگلیس و شارژ دافر روس جواب خواهد داد.

امضا چرچیل

طهران، به تاریخ ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸

[۶ آذر ۱۲۸۷؛ ۳ ذی قعدة ۱۳۲۶]

### نمره - ۲۱

تلگراف سرنیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۲۱ دسامبر)

سن پترزبورغ، ۲۱ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۹ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۶ ذی قعدة ۱۳۲۶]

امروز بعد از ظهر مسیو دوهاردویک [= هارتویک] به دیدن من آمد و اظهار عقیده می کند که اگر به شاه وعده و امیدی داده شود که در صورت اقدام فوری برای نوشتن قانون انتخابات بترتیب منصفانه و انعقاد مجلس از طرف دولتین ممکن است مساعدت مالی به آن اعلیحضرت بشود در آن صورت اعلیحضرت معظم در عمل نمودن بر طبق نصایح سفارتین تعلق و مضایقه نخواهند کرد. عقیده مشارالیه راسخ است بر اینکه امتداد اوضاع حاضره منجر به هرج و مرج عمومی خواهد شد که مداخله لازم و ناگزیر بگردد.

من گمان می کنم مسیو ایسولسکی هم با این نظریات مسیو دوهاردویک موافقت داشته باشد.

## نمره - ۲۲

تلگراف سرنیکلسن به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ دسامبر) سن پترزبورغ، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸ [یکم دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

مسیو ایسولسکی به من اطلاع می دهد که اعلیحضرت امپراطور سفیر مخصوص ایران را نخواهد پذیرفت. مسیو ایسولسکی شخصاً او را ملاقات خواهد نمود و از قرار اظهار خودشان صراحتاً در باب اوضاع حاضره ایران با او مذاکره خواهد کرد.

## نمره - ۲۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۳ دسامبر) طهران، ۲۲ دسامبر ۱۹۰۸ [یکم دی ۱۲۸۷؛ ۲۷ ذی قعدة ۱۳۲۶]

باز هم دیروز از طرف سفارتین اظهارات شد. صدراعظم ترجمانهای سفارتین را پذیرفت و آنها اصرار نمودند شاه باید امر بکند یک عده اشخاص خوب به مجلس عالی افزوده بشوند که قانون انتخاباتی را که قبل از نمایش در هفتم نوامبر اعلیحضرت شاه در صدد طبع و نشر آن بودند و تفصیلش را در تلگراف هشتم نوامبر اطلاع داده ام تکمیل بنمایند.

انتظار آن هست که شاه ترجمانهای سفارتین را امروز عصر بار بدهد.

## نمره - ۲۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۲۲ دسامبر) طهران، ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸ [۲ دی ۱۲۸۷؛ ۲۸ ذی قعدة ۱۳۲۶]

دیروز شاه ترجمانهای سفارتین را احضار نموده و به آنها اظهار فرمودند که من میل دارم نمایندگان دولتین ملتفت بشوند که من مصمم ایفای عهد خود بوده و مشغول انجام آن بودم که در آنوقت مردم در سفارت کبرای عثمانی متحصن شده و می خواستند من را در اجرای آن مجبور بنمایند و من میل ندارم که در این موضوع چنین بنمایم که در تحت اجبار آنها تفویض شده ام.

پس از انجام شرفیابی فوق، شاه صدراعظم و وزیر جنگ را احضار نموده بود. بعد از آن صدراعظم وعده نمود شرحی ترجمانهای سفارتین مسوده بنمایند و به امضای او برسد که امروز به وزیر امور خارجه تبلیغ بشود مشعر بر اینکه «اعلیحضرت

شاهنشاهی تقبل می‌نماید که روز بعد از خروج متحصنین از سفارت کبرای عثمانی دستخطی صادر بنمایند که قانون انتخابات بتوسط هیئت منتخبه اعلیحضرت که در مجلس عالی مملکت عضویت خواهند داشت نوشته بشود. پس از آنکه این دستخط امروزاً به نمایندگان سفارتین ارائه بشود وزیر امور خارجه باید آن را ضبط بنماید.

### نمره - ۲۵

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ دسامبر ۱۹۰۸

[۲ دی ۱۲۸۷؛ ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

به تلگراف ۱۸ شهر حال [۲۶ آذر؛ ۲۳ ذی‌قعدة] که از طهران مخابره شده

مراجعه نمایید.

اگر شاه مجدداً مسئله استقراض را عنوان بنماید دولت انگلیس حاضر است که در آن نظری نموده و ببیند که آیا ممکن است در اطمینان و ضمانت از فایده و مضرف قرضه صحیحی شرکت و دخالت بنماید و این کار را فقط وقتی خواهند کرد که سفارتین از مسیو بیزو که کاملاً در این مسئله تحقیقات کرده است اطمینان حاصل بنمایند که به عقیده او این قرضه مطلوب و لازم است و باید داده شود. دولت انگلیس بهیچ وجه از این اندازه تجاوز نخواهد نمود و تا شاه قانون انتخابات را صادر ننماید و یک موقع خیلی نزدیکی برای انتخابات معین ننماید دولت انگلیس نمی‌تواند اظهار عقیده بنماید. بهر حال تا تأمینات کافی از حیث محل مصرف این وجه حاصل نشود و ترتیب مشروطه مستقر نگردد دولت انگلیس مداخله در این مسئله نمی‌تواند بنماید.

مسیو ایسولسکی را از این نظریات مسبوق نموده و نیز به او اطلاع بدهید که به عقیده ما اگر این اقدام به نظر مسیو بیزو انجام پذیر است [نیست؟] بهتر آنست که اصل مسئله استقراض را متروک داشته [دارید] حتی در موقعی که مشروطه هم مرتباً دائر بشود.

### نمره - ۲۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ دسامبر)

طهران، ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۶]

وعده صدر اعظم که در تلگراف مورخه دیروز خودم را پورت دادم تکمیل نشده به این جهت امروز ما مجدداً اظهارات خواهیم نمود.

تقریباً ۲۵۰ نفر حالا در سفارت کبرای عثمانی متخصص شده‌اند. وزیر مختار اطریش بعضی اشخاص دیگر را که متوسل به حمایت او شده‌اند در يك خانه‌ای که وصل به سفارت خودش است مسکن داده.



## نمره - ۲۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۹ ذی قعدة ۱۳۲۶]

من ترجیح می‌دهم قبل از اینکه مشروطه مستقر بشود مساعدت پولی به شاه نکنیم (به تلگراف ۲۱ شهر حال خودتان مراجعه فرمایید) بعلاوه من صلاح نمی‌دانم که قبل از فهمیدن نظریات مستشار مالیه ما در این باب وعده‌ای بدهیم.

## نمره - ۲۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۵ دسامبر)

طهران، ۲۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۴ دی ۱۲۸۷؛ یکم ذی حجه ۱۳۲۶]

ترجمانهای سفارتین دیروز صدراعظم را ملاقات نمودند برای اینکه به او اظهار و ایراد نمایند که در ترتیب دادن تعهدنامه‌ای که به آنها وعده نموده بود قصور نموده معزی الیه بر خلاف انتظار سختی و مخالفت اظهار نموده و تمام دلایل قدیمه درباب مخالف بودن انتخابات عمومی با شرایع اسلام را اقامه نمود. در موقعی که ظاهراً شاه مشرف به تمکین نمودن به اظهارات ماست دلیل این تغییر حالت صدر اعظم را نمی‌توانم درک بنمایم.

متحصنین در سفارت اطریش خارج شدند ولی هنوز دویست و پنجاه نفر در سفارت کبرای عثمانی هستند و از خارج شدن امتناع دارند اگر چه من روز چهارشنبه از اطمینانهای شاه به شارژدافر عثمانی اطلاع دادم.

## نمره - ۲۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۶ دسامبر)

طهران به تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۰۸

[۵ دی ۱۲۸۷؛ ۲ ذی حجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۲۱ دسامبر سر نیکلسن.

اظهار امیدواری نمودن ما در باب استقراض فقط تأثیر آنی به شاه نموده (به تلگراف ۱۷ شهر حال من مراجعه شود) و من گمان نمی‌کنم که قاعده در این موضوع ما بتوانیم بیشتر تجاوز نماییم.

در باب اوضاع من نمی‌توانم بجز تشویش احساس دیگری بنمایم. آنچه بر من معلوم شده ممکن است مردم هم آن بازارها را ببندند و این برای اقدامات قهریه بهانه‌ای

برای شاه خواهد شد.

من تصور می‌کنم حالا موقع آن رسیده است که بطریق مشددتری اظهارات بنماییم. چونکه نتیجه نصایح مصره ما در واقع تا حال هیچ نبوده. من پیشنهاد می‌نمایم که نماینده‌های دولتین درخواست بار یافتن به حضور شاه را نموده و خاطر نشان آن اعلیحضرت بنمایند که یگانه طرق اسکات هیجان و انقلاب حالیه انفصال صدر اعظم و وزیر جنگ از هیئتهای مشاوره است و بزودی رجوع کردن به يك هیئت کافی و نوشتن قانون انتخاباتی که آن اعلیحضرت به ملت خود و نمایندگان دولتین وعده نموده است. و نیز اعطای عفو عمومی به اتباع خودش که در ایالت آذربایجان در تحت سلاح هستند و اگر این اقدامات را ننماید دولتین نتیجه خواهند گرفت که آن اعلیحضرت بکلی از پیروی نصایح آنها امتناع می‌ورزد و او را به حال خود خواهند گذاشت که بدون اینکه دیگر به او نصیحتی بنمایند و معیتی با او داشته باشند خودش امورات را با ملت خود ختم نماید.

### نمره - ۳۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در غره ژانویه)

اصفهان

بموجب تلگرافی که از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده در اصفهان هیجان عظیمی است.

مسیو سبلین [= سابلین] به من اطلاع می‌دهد که يك عده مردم از يك بابت برای هیجان ملی و از بابت دیگر برای تعرض و پرتست نسبت به حکومت در جنرال قنسولگری روس متحصن شده‌اند.

### نمره - ۳۱

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوآردگری (واصله در ۳ ژانویه)

طهران، ۳ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۳ دی ۱۲۸۷؛ ۱۰ ذیحجه ۱۳۲۶]

اصفهان

در تعقیب تلگراف غره شهر جاری خودم مبادرت می‌نمایم که جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان راپورت می‌دهد که دیروز بین قشون و مخالفین مجادله‌ای واقع شده. معلوم نیست تلفات چقدر بوده. سربازانی که بواسطه بی‌قدرتی صاحبمنصبان عنان اختیارشان از کف ساقط شده قسمت زیادتر بازارها را غارت نموده‌اند. الحال هرج و مرج کامل در شهر احاطه دارد. حاکم و سایر مأمورین محلی در جنرال قنسولگری انگلیس متحصن شده‌اند. امروز انتظار ورود صمصام السلطنه ایلخانی با يك عده

بختیاری هست که استعداد خود را به استعداد مخالفین دولت ملحق خواهند نمود. از قراری که مستر گرهم دیشب تلگراف نموده بود خطر عاجلی برای اتباع انگلیس تصور نمی‌نماید. علی‌الظاهر علت عمده این هیجان رنجش از حکمران است و در بدو استماع این انقلاب من به دولت ایران تأکید نمودم که به اهالی ناراضی یک نوع اطمینانی بدهند که باعث اعاده نظم بشود. امروز صبح من و مسیوسبیلین [= سابلین] با قنصلهای خودمان مخابره حضوری داشتیم و نتیجه آن این شد که یادداشتی بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم نموده و در عزل آن حاکم بی‌کفایت و احضار آن بدترین افواج بدعمل و تفویض مهام حکومت به ایلخانی اصرار نمودیم. ما دولت ایران را برای خسارات انگلیس و روس مسؤل قرار داده‌ایم.

## نمره - ۳۲

مکتوب سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۴ ژانویه ۱۹۰۹)

سن پترزبورغ، ۲۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۴ دی ۱۲۸۷؛ یکم ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا

دیروز بعد از ظهر محمودخان علاءالملک، ایلچی مخصوص ایران، به دیدن من آمد. معزی الیه به من اطلاع داد که مسیو ایسولسکی را ملاقات نموده ولی نتوانسته است خدمت امپراطور شرفیاب شود چون اعلیحضرت معظم برای تسلیت فوت گراندوک الکسیس کسی را نمی‌پذیرد. پس از آن محمودخان شروع به بیان شرح مفصلی در تخطیات مجلس سابق ایران نموده و در عدم لیاقت آن و اغراض فاسده شخصی‌اعضاء آن و مداخله در امور اجرائیات راجعه به دولت و سایر اقدامات سوء که بکلی باعث بی‌اعتباری آن در تمام مملکت شده بود تشییید نمود. او اظهار نمود که کلیه سبک و روش مجلس و بی‌نظمی که در عرض مدت انعقاد آن در مملکت واقع شده بود و بضمیمه اقدامات هرج و مرج کارانه انجمنهای پلتیکی بالصراحه آشکار نمود که ایران برای مجلس نمایندگان بطرز جدید مستعد نیست. وضع منقلبه آذربایجان را بهیچوجه هیجان آزادیخواهانه در تأیید مشروطه باعث نیست بلکه آشوب‌طلبی ستارخان دزد بمعیت یک عده راهزنان وقاچاق‌های [= قاچاقچی‌های] قفقازی مؤسس آن شده است. دادن یا ندادن مشروطه به ایران هیچ‌اثری در اقدامات ستارخان و متابعین او نخواهد نمود. محمودخان اظهار داشت که مسلماً شاه با یک مشروطه‌ای مساعد است بلکه تمام ایرانیان صاحب افکار صحیح این عقیده را دارند ولی متأسفانه دولتین بتوسط نمایندگان خودشان در طهران اعلیحضرت مزبور را نصیحت می‌نمایند که فوراً مشروطه را اعطا بنماید. حتی قبل از انتظام اداره مملکت که در حال هرج و مرج است اولین احتیاج ایران این است که مالیه آن به مبنای بهتری مستقر بگردد و احتیاج خیلی فوری دوم آن اصلاح تمام ادارات مملکت است. همینکه دوائر مختلفه دولت رفورم

شد و اداره دولتی منظمأ به کار افتاد آنوقت ممکن است مجلس تأسیس بشود در صورتی که بتوان اشخاص کافی برای عضویت آن بدست آورد. دولت انگلیس در هندوستان و مصر يك نوع اسلوب حکومت قابل تحسینی تأسیس نموده است ولی خود تصور این را می کند که هنوز موقع آن نرسیده که به هندوستان یا مصر مشروطه ای به ترتیب جدید اروپا اعطا بنماید و ایران خیلی از هندوستان و مصر عقب تر است. ما می خواهیم خانه ای به عجله بسازیم حتی قبل از اینکه بنیاد آن را بقاعده نهاده باشیم. تجربیات حاصله از مجلس سابق باعث یأس و حرمان کلی تمام طبقات تجار و مردمان با مدرك<sup>۸</sup> مملکت شده و دهقانان هم که از مجلس چیزی ملتفت نبودند هیچ مایل به تشکیل آن نیستند. اگر دولتین شاه را مجبور به ترتیب قانون انتخاباتی و تشکیل مجلس بنمایند مجدداً مملکت را در گرداب انقلاب غوطه ور نموده و هر دو دولت مجبور به مداخلات عملی در امور داخلی ایران خواهند شد و اظهار داشت می دانم نه دولت انگلیس و نه دولت روس مایل به اتخاذ همچو روشی می باشند. مشارالیه الحاح نمود دولتینی که او می داند صمیمانه خواهان نفع و خیر ایرانند خوب است مساعی جمیله خود را در اصلاح مالیه بکار ببرند و مساعدت پولی با دولت نموده و در اصلاح کلی دوائر اداره مملکت اصرار بنمایند. البته نصیحت و مساعدت آنها در این موضوعات قدر و قیمت فوق العاده خواهد داشت ولی می ترسم که اگر دولتین در چیزی که هنوز موقعش نرسیده و ممکن است خطرناک واقع بشود کماکان اصرار بنمایند منظوراتی را که در نظر دارند ضایع و معکوس بگردد. من گمان می کنم شرح فوق مجموعه کاملی است از آنچه محمودخان به من اظهار داشته است. من صحبت او را قطع ننمودم چون می خواستم هر چه در خاطر دارد بگویم ولی پس از ختم کلام او، من اظهار داشتم که با عنوانات او نمی توانم موافقت داشته باشم. اولاً شاه به دولتین قول صریح داده که بعضی اقدامات معین را مجری بدارد تا حال در وفا نمودن به این قول خود قصور نموده. عقیده من این نیست که قسمت بیشتر مردم بامجلس مخالف باشند برعکس، من یقین دارم که آنها مشتاقانه طالب آن هستند و اگر مشروطه عطا نشود تجدید انقلاب خواهد شد. احتمال کلی دارد که مجلس سابق نواقص و معایب بسیار داشته ولی من یقین دارم که در بین طبقات تربیت شده و تجار يك عده کافی اشخاص پیدا خواهند شد که لایق وکالت باشند و برای اشخاص لایق که در ایران هم از آنها موجود است ممکن است يك قانون انتخاباتی طرح بنمایند که باعث انتخاب نمایندگی بشود که شوق و میلی به نیک بختی مملکت خود داشته باشند. مختصراً اینها نکاتی بود که البته کسانی که در آن نقطه حاضر بوده اند خیلی بهتر از من می توانند تمیز آن را بدهند. ولی آنچه من می توانم به شما بگویم این است که نه دولت روس و نه دولت انگلیس از روشی که عجالاً تعقیب می نمایند منحرف و منحرف خواهند شد.

بلاخره من از ایشان سؤال نمودم که نقشه و خیالشان چیست. مشارالیه جواب

۸) به همین گونه است در اصل [مدرك] (همچو محسن) = درك کننده - فهمیم؟ - م.

دادند که عنقریب به پایتخت‌های اروپا گردشی خواهند نمود.

امضا: ا. نیکلسن

### نمره - ۳۳

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۴ ژانویه)

طهران، ۴ ژانویه ۱۹۰۹

[ ۱۴ دی ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۲۶ ]

#### اصفهان

تلگراف مورخه دیروز جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان مبنی بر این است که در جنگهای گاه‌بگاهی که روز و شب ممتد بوده چندین نفر سرباز مقتول شده. حاکم کوشش نموده که با مخالفین خود ترتیب صلحی بدهد. خبر رسید که امروز ظهر دوست نفر بختیاری دیگر داخل شهر شده‌اند و غروب کارگزار به مستر گره‌م اطلاع داده است که ضرغام‌السلطنه اعلام داشته است که تا ورود صمصام‌السلطنه که روز دوشنبه خواهد بود حکومت شهر را خود او خواهد نمود. اهالی صمصام‌السلطنه را بمنزله یگانه دلیر ملی خواهند پذیرفت. يك جمعی از همراهان وحشت‌زده اقبال‌الدوله و قسمت بیشتر دو فوج در همان شب به جنرال قنسولگری ریخته‌اند. مستر گره‌م راپورت می‌دهد که جمعیت مزبور در تحت سلطه و انتظام هستند.

### نمره - ۳۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۴ ژانویه)

طهران، ۴ ژانویه ۱۹۰۹

[ ۱۴ دی ۱۲۸۷؛ ۱۱ ذی‌حجه ۱۳۲۶ ]

#### اصفهان

بموجب تلگراف واصله از جنرال قنسول انگلیس، امروز صبح اهالی شهر و سایرین دیوانخانه حکومت را غارت نمودند. حاکم مستعفی گردیده و استعفای او قبول شده.

### نمره - ۳۵

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۵ ژانویه)

طهران، ۵ ژانویه ۱۹۰۹

[ ۱۵ دی ۱۲۸۷؛ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۶ ]

## اصفهان

امروز صبح من و مسیوسبیلین [= سابلین] تلگراف حضوری دیگری با قنسولهای اصفهان خودمان داشتیم.

ایلخانی با هزار نفر بختیاری شهر را تصرف نموده. معزی‌الیه به تجارتخانه‌های خارجه مستحفظ گمارده و مشغول حفظ نظم است. شهر آرام است و سربازهای ایرانی متفرق شده‌اند. دو نفر از مأمورین محلی را که هردو آنها بی‌فایده هستند شاه به نیابت حکومت منصوب نموده و یکی از آنها تا حال از قبول این شغل امتناع نموده.

من و همکار روسی خودم امروز مجدداً تأکید نمودیم که ایلخانی موقتاً به حکومت شهر منصوب بشود چون یگانه قوه‌ای که از عهده استقرار نظم برآید او است و به آن اعلیحضرت اطلاع دادیم که ما به قنسولهای خودمان تعلیمات خواهیم داد که ایلخانی را برای نگاهداشتن نظم عمومی و تأمین اتباع انگلیس و روس مسئول قرار بدهند.

## نمره - ۳۶

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۵ ژانویه)

طهران، ۵ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۵ دی ۱۲۸۷؛ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

## تبریز

ملتیان عایدات مخابرات داخله از سیم کمپانی را از تلگرافخانه هند و اروپا مطالبه نموده‌اند و به این جهت مخابرات داخله تعطیل شده است. ملتیان حالا تخویف نموده‌اند که اگر مخابرات داخله مجدداً مفتوح نشود امتیاز کمپانی راجع به آذربایجان را فسخ خواهند نمود. اداره لندن به وکیل کمپانی مقیم تبریز اجازه داده‌اند که مخابرات داخله رامفتوح بنمایند ولی ملتیان اظهار می‌دارند که اگر عایدات به آنها پرداخته نشود سیمها را قطع خواهند نمود. رئیس کمپانی تلگراف در اینجا برای تحصیل اجازه معمول داشتن این امر به دولت ایران مراجعه نموده و اخطار نموده است که اگر سیمها قطع بشود خسارت آن را از دولت مطالبه خواهد نمود.

مسیوسبیلین [= سابلین] و من به قنسولهای تبریز خودمان تعلیمات داده‌ایم که به ملتیان تأکید بنمایند که تأمل کنند تا این مسئله در طهران ختم بشود، چون سفارتین مشغول مذاکره هستند، و از نتایج وخیمه این امر آنها را مستحضر بدارند که اگر سیمها قطع بشود باعث اخلال مخابرات بین‌الملل خواهد شد.

اگر لازم بشود من و شارژ دافر روس در اینجا کمپانی را تقویت خواهیم نمود.

## نمره - ۳۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ ژانویه)

طهران، ۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۶ دی ۱۲۸۷؛ ۱۳ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

## اصفهان

در جواب اظهاراتی که من و همکار روسیم در سوم شهر حال به‌شاه نمودیم و شرح آن را در تلو تلگراف سیم ژانویه خودم راپورت دادم اعلیحضرت معظم اظهار داشت که به‌ایلخانی اطمینان ندارد و پیروی نصیحت‌ما را ننموده معزای‌لیه را به حکومت اصفهان منصوب نخواهد نمود. نتیجه اهتمام شاه در تعیین شخص دیگری به‌حکومت ممکن است باعث این بشود که يك وضع مشابه به‌وضع تبریز هم در اصفهان تولید بشود و ایلخانی حالیه عملاً حاکم است.

## نمره - ۳۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ ژانویه)

طهران، ۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۶ دی ۱۲۸۷؛ ۱۳ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

سعدالدوله به وزارت امور خارجه منصوب گردید.

## نمره - ۳۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۷ ژانویه)

طهران، ۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۷ دی ۱۲۸۷؛ ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دیروز من در باب اصفهان

شاه فرمانفرما را به حکومت اصفهان تعیین نموده ولیکن نواب معظم سریعاً برای این مأموریت خود حرکت کردنی نیست. او نایب‌الحکومه [را] باتفاق سیصد نفر بختیاری در تحت سرکردگی سردار ظفر و سایر رؤساء روانه خواهد نمود.

آنچه حالیه قرار داده‌اند این است که تا یکی دو روز دیگر از طهران حرکت کنند واضح است که شاه امید دارد به‌اینوسیله تخم مخالفتی مابین بختیاریان بکارد.

## نمره - ۴۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۷ ژانویه)

طهران، ۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۷ دی ۱۲۸۷؛ ۱۴ ذی حجه ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دیروز من در باب اصفهان

بموجب اطلاعات واصله به جنرال قنسول انگلیس، خوانین بختیاری باهم متفق شده و متوجه به مقابله نمودن با فرمانفرما هستند که از قرار مذکور با چهار فوج و توپ در صدد حرکت بطرف اصفهان است.

مستر گرهام اوضاع را خیلی اهمیت می دهد چونکه تصور می کند در صورت مخاصمه و مخالفت جان و مال اتباع خارجه در خطر خواهد بود.

من در صدد هستم که حتی القوه اوضاع را به ترتیب مصلحانه ای ختم بنمایم.

## نمره - ۴۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۸ ژانویه)

طهران، به تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۸ دی ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۶]

## تبریز

در طی تلگرافی مورخه دیروز جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز راپورت می دهد که در ۶ شهر حال انجمن محلی نماینده ای به گمرکخانه فرستاده اند که در عایدات آنجا نظارت بنماید.

## نمره - ۴۲

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۸ ژانویه)

طهران، ۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۸ دی ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی حجه ۱۳۲۶]

معروف است که شاه در صدد تجدید اشاعه دستخط مورخه ۲۲ نوامبر خودش به ضد مشروطه است. اوضاع از بد به بدتر متمایل است. اگر در معامله با وضع اصفهان اعلیحضرت معظم پیروی نصیحت ما را نموده بود یا حتی حالا هم مایل به پیروی آن می بود یحتمل ممکن می شد که بالاخره صمصام السلطنه را راضی به مراجعت نمود ولی اعلیحضرت مزبور همانطور که در نصایح ما در باب سایر مسائل خودرأیی نموده در این مسئله هم به وضع خودرأیانه خویش مستدام است. من تردید دارم که با این وضع فلاکت و بی پولی او بتواند قشون به اصفهان بفرستد و یا اگر هم قشون به آنجا



برود احتمال فائق آمدن آنها باشد.

غیرممکن نیست که پس از اقدامات قهریه صمصام السلطنه در اصفهان این عمل بختیاری را سایر طوایف هم تعقیب نمایند. یعنی ایمل کلهر در کرمانشاه و ایل قشقائی در شیراز. اگر چه ممکن است وقت آن گذشته باشد که بوسیله اعطای مشروطه که برای مساعدت پولی ما شرط حتمی است از ازدیاد هرج و مرج جلوگیری بشود مع هذا من تصور می‌کنم استقرار ترتیب مشروطه یگانه امید دفع حوادث مهمه‌ای است که عاقبت آن را بطور یقین نمی‌توان پیش‌بینی نمود. ولیکن آن حوادث ممکن است باعث تجزیه و قطعه قطعه شدن ایران بگردد یا اینکه لااقل شاه را مقهور و مجبور به اجرای فرمایشات ملتیان بنماید.

### نمره - ۴۳

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۸ ژانویه)

طهران، ۸ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۸ دی ۱۲۸۷؛ ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

### اصفهان

جنرال قنسول انگلیس راپورت می‌دهد که صمصام السلطنه اعلانی بین اهالی اصفهان منتشر نموده است مبنی بر اینکه اگر اهالی در عرض سه روز نمایندگان خود را برای انجمن مشروطه محلی انتخاب نمایند بختیاریها سه نفر علمای اعظم را برداشته از شهر خارج خواهند شد و اهالی را به اراده شاه و سربازان وا می‌گذارند. بختیاریها شهر را سنگربندی نموده‌اند.

### نمره - ۴۴

تلگراف سر نیکلسن به سرادوار گری (واصله در ۹ ژانویه)

سن پترزبورغ، ۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

من امروز مسیو ایسولسکی را ملاقات نموده و در باب اوضاع عمومی ایران که همچو می‌نماید که تمام مملکت در حالتی است که ممکن است منتهی به تجزیه بشود با او صحبت نمودم. عقیده او بر این است که يك اقدامی باید بشود که از استقرار حکومت مستقلة در تبریز و اصفهان جلوگیری بشود و میل دارد نظریات شما را بداند که با اوضاع این دو شهر چه شکل باید معامله نمود.

## نمره - ۴۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۹ ژانویه)

طهران ۱۰۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

در تلگراف ماقبل خودم در باب اوضاع اصفهان من از ایلخانی اسم برده‌ام. اگر معزای‌الیه را صمصام‌السلطنه بخوانیم صحیح‌تر خواهد بود چون از قراری که حالا من استدراک نموده‌ام از چند هفته قبل شاه او را از ایلخانی‌گری منفصل نموده. صمصام‌السلطنه پیغامی به فرمانفرما فرستاده که بدون پرده‌پوشی هواخواه و طرفدار مقصد ملیون است. فرمانفرما از شارژ دافر روس و من خواهش نموده که امروز بعد از ظهر ما را دیدن بنماید. نواب معظم از من خواهش خواهد نمود که به صمصام‌السلطنه اصرار بنمایم از اصفهان خارج بشود و تجدید تعیین او به ایلخانی‌گری منوط به خارج شدن از اصفهان است. عجالتاً من باتفاق شارژ دافر روس خود را محدود به این نموده‌ایم که به قنصل‌های خودمان تعلیمات بدهیم که به صمصام‌السلطنه اطلاع بدهند برای نگاهداشتن نظم اعتماد ما به او است. من قصد دارم به فرمانفرما اطلاع بدهم که بدون تعلیمات جدید از وزیر امور خارجه من صلاح خود را نمی‌دانم به صمصام‌السلطنه صلاح‌اندیشی دیگری بنمایم.

## نمره - ۴۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۹ ژانویه)

طهران، ۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

## وضع آذربایجان

بموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلا قریه سردرود را که بتازگی ملتیان تصرف نموده بودند در ۷ شهر حال تخلیه نمودند. دولتیان هجوم آورده و چند اسیری که در دست ملتیان بود مستخلص و لخت نمودند. این مجادله را در طهران بزرگ نموده و یک فتح عظیمی از طرف دولتیان جلوه داده‌اند.

## نمره - ۴۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۹ ژانویه)

طهران، ۹ ژانویه ۱۹۰۹

[۱۹ دی ۱۲۸۷؛ ۱۶ ذی حجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف امروز من در باب اصفهان

در ملاقات امروز بعد از ظهر ما، فرمانفرما به من و همکار روسیم اظهار داشت که اگر صمصام السلطنه مقاومت بنماید می‌ترسم دامنه اغتشاش وسعت حاصل نماید. از طرف دیگر اگر ممکن بشود که صمصام السلطنه متقاعد به رجعت بشود عقیده من بر این است که بتوانم انتظام و آسایش را مستقر بدارم. فرمانفرما اظهار می‌دارد که نایب‌الحکومه او به معیت ۴۰۰ نفر بختیاری فردا از طران حرکت خواهد نمود. از قرار مفهوم نواب معظم به خیال این است که چند هفته دیگر بسرکردگی يك عده کافی قشون برای مقابله با قشون بختیاری حرکت بنماید.

## نمره - ۴۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۰ ژانویه)

طهران، ۱۰ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۰ دی ۱۲۸۷؛ ۱۷ ذی حجه ۱۳۲۶]

## اصفهان

جنرال قنسول انگلیس دیروز با صمصام السلطنه ملاقاتی نموده و حسیات صلح آمیز مطیعانه خود را آشکار داشته و اظهار داشته است که اگر برای حقوق مشروطه مردم اصفهان و تأمین شخصی خودش به او ضمانت داده بشود برای مراجعت حاضر است. مختصراً صمصام نیز اظهار داشت که اگر شاه قشون به مقابله او بفرستد نه او می‌تواند اهالی اصفهان را ترك بنماید نه هم آنها از او دست برخواهند داشت. من در صدمم که مفاد شرح فوق را به اطلاع شاهزاده فرمانفرما برسانم. مستر گرهم راپورت می‌دهد که آقای نجفی که یکی از پیشوایان مخالفین دولت است از خوف غضب شاه با بختیاری قطع اتصال نموده و بطرف طهران عزیمت نموده.

## نمره - ۴۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۱ ژانویه)

طهران، ۱۱ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۱ دی ۱۲۸۷؛ ۱۸ ذی حجه ۱۳۲۶]

رجوع به تلگراف ۸ شهر جاری من در باب اصفهان

مستر گرهم از اصفهان راپورت می‌دهد که نظم به نهایت رضایت بخشی مستقر گردیده و روز شنبه مجمع عمومی به قصد انتخابات تشکیل یافت.

## نمره - ۵۰

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ ژانویه)  
 طهران، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹  
 [۲۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی حجه ۱۳۲۶]

## اصفهان

مابین دو یست الی سیصد نفر بختیاری با رؤسای خودشان دیروز از اینجا بطرف اصفهان عزیمت نمودند.  
 از قرار مفهوم مقصد این است که اینها خانه و علاقه صمصام السلطنه را تهدید نمایند ولی تمام اطلاعاتی که به من رسیده همچو مستفاد می دارد که خیلی کم احتمال می رود آنها داخل در مخاصمه به ضد او بشوند.  
 نایب الحکومه شاهزاده فرمانفرما امروز بطرف اصفهان حرکت خواهد نمود.

## نمره - ۵۱

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۳ ژانویه)  
 طهران، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹  
 [۲۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی حجه ۱۳۲۶]

## اوضاع آذربایجان

بموجب تلگراف واصله از مستر راتیسلا، جنرال قنسول انگلیس، قشون شاه در در جاده نزدیک جلفا مشغول قطع مرابطات و مخابرات هستند. پست اخیری را که از اروپا می آمده گرفته و بغارت برده اند. همچو می نماید که قصد شاه این باشد که بواسطه ترتیب محاصره دور شهر، تبریز را دچار قحط و غلا بنماید. هیزم و زغال تقریباً نایاب است و قیمت هر چیز رو به گرانی است. در اطراف سلماس و خوی جنگ در کار است.

## نمره - ۵۲

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

وزارت امور خارجه، ۱۳ ژانویه ۱۹۰۹  
 [۲۳ دی ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی حجه ۱۳۲۶]

در جواب تلگراف ۹ شهر حال شما، دولت انگلیس مخالف با هر نوع مداخله در باب وضع تبریز یا اصفهان است. ما از این خیال منصرف نشده ایم که اعطای مشروطه را

یکی از وسایل خیلی مهم اعاده نظم بدانیم و ممکن است که اغتشاش در آن دو نقطه اثر مفیدی به شاه بنماید که در اعطای يك همچو مسئله ای قیام بنماید. مادامی که در دولت شاه هیچ رفورمی نباشد هیچ پیشرفتی که متضمن ترتیب دائمی باشد حاصل نخواهد شد و در صورتیکه هر پیشنهادی از طرف دولت روس بشود دولت انگلیس با نهایت دقت آن را تحت ملاحظه قرار خواهد داد. به این عقیده هستیم که پول دادن به شاه با این وضع حالیه بدتر از بی نتیجه بودن است و بیشتر باعث مداخله در امورات داخلی ایران خواهد شد. چون محتمل است يك همچو پولی برای خاموش نمودن هیجان ملی که بطرفداری مشروطه جاری است صرف بشود بعلاوه وقتی که این پول صرف شد اوضاع اگر بدتر نشود به همان حال بدی سابق باقی خواهد بود.

### نمره - ۵۳

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۶ ژانویه)

طهران، ۱۶ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۶ دی ۱۲۸۷؛ ۲۳ ذی حجه ۱۳۲۶]

#### وضع آذربایجان

بموجب تلگراف واصله از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز دیروز مجادله مختصری بین ملتیان و قشون حاکم مراغه در خارج شهر واقع شده. صدمات وارده چندان مهم نبوده. اعتقادات براین است که عین الدوله منتظر رجعت رحیم خان است و او از محل خود حرکت ننموده.

در مکتوب خصوصی که مستر راتیسلا ماه گذشته نوشته اشعار داشته بود «یحتمل مردم هنوز يك قرارداد مساعدی را قبول نکنند ولی آن نباید مدت طولانی به تأخیر بیفتد.» اصلاح بین دودسته محتمل است بواسطه مجاهدات جدید قشون بی نظم شاه مشکل تر بشود و مجاهدات آنها نیز اسباب بی نظمی هم می شود.

### نمره - ۵۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۱۷ ژانویه)

طهران ۱۷ ژانویه ۱۹۰۹

[۲۷ دی ۱۲۸۷؛ ۲۴ ذی حجه ۱۳۲۶]

#### وضع آذربایجان

در تعقیب تلگراف قبل از این خودم اطلاع می دهم که جنرال قنسول انگلیس راپورت می دهد که در ضمن مخاصمات نسبتاً سخت تری که دیروز در خارج شهر واقع شد ملتیان

ظفر یافتند. آنها در قطع رابطه بین قشون عین الدوله و قشون حاکم مراغه موفق شدند.

### نمره - ۵۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سراد وارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه)

طهران، ۱۵ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۶]

آقا

در طی تلگرافات چند روزه ماضی خودم تشکیل مجلس شورای مملکتی را که شاه داده راپورت داده‌ام و الحال با کمال احترام ترجمه قواعدی که برای کارکردن این مجلس وضع شده و وزیر امور خارجه غیر رسماً آن را برای من فرستاده لفاً ارسال می‌دارم. در این ورقه هیچ اسمی از اعضاء این هیئت برده نشده ولی از قرار مفهوم عده مشاورین آن باید شصت نفر باشند که چنانچه در مکتوب ۴ شهر جاری خودم راپورت داده‌ام بیشتر از آنها تا حال برای تشکیل مجلس نامزد شده‌اند.

از قواعد صادره حالا ملاحظه می‌شود که قدرت زیادی به اعضاء داده شده. حقیقتاً اگر يك شاهمی می‌بود که در معاضدت با عمل اصلاحات حاضر و توانا باشد و يك اعضاء مشاوره‌ای می‌بودند که عقل و جرئت بکار بردن قدرت خودشان را می‌داشتند مسلم بود که برای حالیه يك همچو مجلسی برای احتیاجات مملکت مناسب‌تر از مجلس نمایندگان مردم می‌بود.

بدبختانه هیچ‌يك از این شرایط موجود نیست. دلایل بسیار خوبی برای این تصورات هست که شاه در صدد است بواسطه اعطای این مجلس چشم سفارتین را بیند و الا او نهایت بی‌میلی را دارد که در حکومت خاصان درباری که باعث نکبت مملکت پس از حوادث در ماه ژوئن شده‌اند تغییری مفید بدهد. از قرار معلوم تعیین عده اعضاء مجلس هنوز تکمیل نشده ولی من تصور می‌کنم تشکیل تا حال آن برای درك نمودن مقصود از تأسیس آن کافی باشد.

لازم نیست که خاطر محترم را برای ارسال صورت اسامی آنها تصدیع بدهم. همینقدر بس است عرض بکنم که قسمت بیشتر آن مرکب از مردمان جاهل ارتجاعی است.

آنچه من ملاحظه می‌کنم یکی دو نفر عضو لایق صاحب رأی در آنجا هست ولی از قراری که به من مذکور داشته‌اند آنها هم این مجلس را يك چیز لغوی می‌دانند.

قبل از اینکه علاء السلطنه سواد نظامنامه جدید را به من بدهد من و همکار روسیم درخواست بار یافتن مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی را نموده بودیم برای اینکه از شاه سؤال بنمایند رأی خود را به اتخاذ چه اقدامی به جهت ایفای به معاهدات خود قرار داده. چنانچه مستحضرید اعلیحضرت معظم برای طرفه از این بار دادن به عذرکسالت

مزاج متعذر گردید. معلوم بود که قدری تأخیر باید واقع بشود. همینکه نظامنامه مرئی گردید ما چنین مقتضی دیدیم که باید بدون دفع وقت به شاه توضیح بنماییم که تشکیل مجلس مشاوره جدید را ما نمی‌توانیم بمنزله تکمیل معاهدات او تصور بکنیم. بنابراین من و همکار روسیم رأی خودمان را براین قرار دادیم که یادداشت مشترکی در این موضوع به آن اعلیحضرت تقدیم بنماییم.

سواد مراسله مزبور را که دیروز بتوسط وزیر امور خارجه به اعلیحضرت معظم تقدیم شده لفا ارسال می‌دارم.

امضاء جارج بارکلی

ملفوفه نمره ۱ در نمره ۵۵  
نظامنامه مجلس شورای مملکتی

بسم الله الرحمن الرحيم  
بعد از مقدمات میل و آرزوی شاه  
برای رفاهیت و نیک‌بختی عامه

در ۲۶ نوامبر ۱۹۰۸ [۴ آذر ۱۲۸۷؛ یکم ذی‌قعدة ۱۳۲۶] مجلسی برای بسط عدل و مرتفع داشتن جور و ستم و جلوگیری از نقص شرایع اسلام در دربار تشکیل یافت. اختیاراتیکه به مجلس شورای مملکتی تفویض شده:

ماده اول: نظارت به تمام وزارتخانه‌ها با اختیار تفتیش و شور در امورات بتوسط کمیسیون‌ی از اشخاص مجرب بصیر به امور شعبات مختلفه که از بین اعضاء مجلس انتخاب بشوند.

ماده دوم: نظارت در مالیات و مخارج به ترتیب مصرحه در ماده اول.

ماده سوم: هر يك از وزراء باید دستور راجع به وزارتخانه خود را نوشته نزد مجلس بفرستند. در صورت تصویب نمودن مجلس و کابینه، آن دستورات بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم خواهد شد که در صورت تصویب به امضاء خود موشح بنمایند. ماده چهارم: مجلس حق دارد که در صورت لزوم وزراء را احضار بنماید و اگر هر وزیری نتواند حاضر شود معاون خود را باید بفرستد که در باب امور توضیح بدهد.

ماده پنجم: محتمل است که مجلس وزراء را متهم به نقض قوانین اسلام یا اخذ رشوه یا سایر تقصیرات بنماید. در اینصورت کمیسیون‌ی از مجلس تشکیل داده خواهد شد که در حضور صدراعظم و با اطلاع وزراء در آن باب تحقیقات بنمایند. در صورت ثبوت تقصیر مجازات و عزل آن وزیر از شاه استدعا خواهد شد.

ماده ششم: دستورات راجع به مالیات مملکت باید بدایتاً با اطلاع صدراعظم به مجلس پیشنهاد شود. مجلس اختیار دارد که آن را جرح و تعدیل نموده و ملاحظات و اصلاحات خود را بتوسط صدراعظم به شاه پیشنهاد نموده استدعای صدور رأی قطعی

در آن باب را بنماید.

ماده هفتم: مجلس شورای مملکتی در عرض سال مطابق امر شاه در مدت‌های معینه منعقد و منقصل خواهد شد.

ماده هشتم: اعضاء مجلس نباید در خدمات دولتی اشتغال داشته باشند و اگر هر يك از اعضاء قبول استخدام دولتی را بنماید باید از عضویت مجلس مستعفی بشود و عضو دیگری بر حسب امر ملوکانه به جای او تعیین خواهد شد.

ماده نهم: اگر امر مخفی باشد صدراعظم و وزراء مسؤل مجبور به مذاکره علنی آن نیستند و کمیسیون به اکثریت آراء ممکن است از مجلس انتخاب بشود که در باب آن مسئله مذاکره بنمایند.

ماده دهم: تمام جلسات و مذاکرات مجلس علنی است و با حضور تمام اعضاء آن منعقد خواهد شد سوای مواقعی که در ماده نهم ذکر شده (ملاحظه ۱۱)

ماده یازدهم: اعضاء مجلس می‌توانند که عرایض و اظهارات مربوط به مجلس را بتوسط صدراعظم به شاه تقدیم بنمایند.

ماده دوازدهم: راجع به عرایض است.

ماده سیزدهم: راجع به آزادی مطلق اعضاء از نفوذ است.

ماده چهاردهم: اعضاء مجلس را برای نطق و اظهارات نمی‌توان تعقیب و جلب به محاکمه نمود ولی در مواقعی که از نظامات مجلس تخلفی بنمایند بر طبق همان نظامات با آنها معامله خواهد شد.

ماده پانزدهم: آزادی مطلق اعضاء در رأی دادن.

ماده شانزدهم: پیشنهادات راجع به اصلاح دستورات جدید، یا تغییر در یکی از قواعد موجوده، از وظایف وزراء مملکت است. مجلس شورای مملکتی نیز حق دارد که تقاضای اصلاحات در مواردی که راجع به وظایف مخصوص خودشان است یا تغییر در قواعد موجوده را بنماید ولی بدو باید بتوسط صدراعظم استدعای اجازه از اعلیحضرت همایونی بنمایند. اگر از طرف شاه اجازه داده بشود رد یا قبول آن رجوع به هیئت وزراء خواهد شد.

ماده هفدهم: دستوراتی را که مجلس وزراء مملکت حاضر بنمایند بعد از مراجعه و قبول مجلس شورای مملکتی اگر امر همایونی به اجراء آن صادر بگردد آنوقت به موقع اجراء گذارده خواهد شد. اگر دستورات سابق الذکر را مجلس بکلی رد بنماید... (بقیه این جمله بعدی درهم است که مترجم سفارت نتوانسته ترجمه بنماید.)

ماده هیجدهم: اگر شرح قواعد ماده به ماده در مجلس شورای مملکتی قرائت بشود و اکثریت مجلس به قبول ماده به ماده آن رأی ندهد و بعد از آن اکثریت رأی کمیسیون

(۱) معنی این ماده این است که مذاکرات و جلسات در حضور عامه مردم نخواهد بود.



هم به آن تعلق نگیرد آن قواعد بموقع اجراء گذارده نخواهد شد.  
 ماده نوزدهم: مدت عضویت اعضاء مجلس دو سال است و بعد از انقضاء آن مدت  
 برحسب امر ملوکانه نوبت ثانی انتخاب اعضاء آن تجدید خواهد شد.  
 ماده بیستم: هر امتیاز داخلی یا خارجی که به اتباع داخله یا خارجه داده بشود به  
 تصویب مجلس خواهد بود.

ماده بیست و یکم: علاوه بر مواد قواعدی که برای تعیین تکالیف اعضاء مجلس  
 شورای مملکتی نوشته شده نظامنامه داخلی مجلس به اکثریت آراء در مجلس تهیه  
 شده و بتوسط صدراعظم و کابینه به شاه تقدیم خواهد شد و پس از تصویب شدن و  
 موشح گردیدن به امضاء اعلیحضرت شاهنشاهی بموقع اجراء گذارده خواهد شد.  
 امضاء محمدعلی شاه قاجار

### ملفوظه دوم در لف نمره ۵۵

یادداشت مشترکه که به اعلیحضرت شاه ایران تقدیم شده

نمایندگان دولتین انگلیس و روس مکرر به اعلیحضرت شاهنشاهی برای منافع آن  
 اعلیحضرت و مصلحت مملکت او نصیحت نموده اند که ایفاء به تعهدات خود در باب  
 تشکیل مجلس منتخبه ای که آن اعلیحضرت کراراً به نمایندگان دولتین و ملت خود  
 نموده است بنماید و عفو عمومی به اتباع خودش که در تبریز تحت السلاح هستند  
 اعطاء بنماید.

اینک نمایندگان دولتین با کمال افتخار مبادرت ورزیده و خاطر آن اعلیحضرت را  
 مستحضر می دارند که تشکیل مجلس اعیان را بهیچوجه نمی توان بمنزله تکمیل مواعید  
 آن اعلیحضرت محسوب داشت چونکه اعضای آن را مردم انتخاب ننموده اند لهذا از  
 آن اعلیحضرت استدعا می نمایند که به آنها اطلاع بدهند چه وقت قصد دارند امر به  
 تشکیل مجلس موعود بنمایند.

در ضمن مبادرت نمودن به این استعلام از اعلیحضرت شاهنشاهی نمایندگان تکرار  
 عقیده قاطع خود را می نمایند که امید خاتمه پذیرفتن اوضاع ناهنجار کنونی مملکت  
 فقط بسته به تشکیل مجلس منتخبه و اعلان عفو عمومی است.

به تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۰۸

[۲۲ آذر ۱۲۸۷؛ ۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۶]

امضاء جارج بارکلی - سبلین

### نمره - ۵۶

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه ۱۹۰۹)

طهران، به تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۰۸

[۸ دی ۱۲۸۷؛ ۵ ذی حجه ۱۳۲۶]

## آقا

من بوسیله تلگراف پیوسته شما را از اقدامات سفارتین برای متقاعد نمودن شاه به ایفاء مواعید خود و اعاده حکومت مشروطه مستحضر داشته‌ام و الحال با کمال افتخار بوسیله این مکتوب شرح مفصل آن را راپورت می‌دهم.

در مکتوب ۱۵ شهر جاری [۲۳ آذر؛ ۲۰ ذی‌قعدة] خودم راپورت دادم که بمحض مرئی گردیدن نظامنامه تعیین اختیارات مجلس جدید من و همکار روسیم یادداشت مشترکه‌ای به شاه قدیم داشته و در آن اشاره نمودیم که تشکیل این مجلسی که اعضای آن را اعلیحضرت معظم نامزد نموده بمنزله تکمیل مواعید او محسوب نخواهد شد. در عرض یکی دو روزه بعد از آن به سفارتین راپورت رسید که شاه در حال تسلیم شدن است و در شانزدهم شهر حال سعدالدوله برای همکار روسی من پیغام فرستاده بود که او پیغامی از اعلیحضرت معظم دارد و می‌خواهد به نمایندهای دولتین تبلیغ بنماید و درخواست تعیین وقتی برای ملاقات در روز بعد را نموده بود.

ملاقات در روز هفدهم شهر حال [۲۵ آذر؛ ۲۲ ذی‌قعدة] در این سفارت واقع شد. سعدالدوله اظهار داشت که اعلیحضرت معظم بتازگی به او اصرار دارد که قبول خدمت بنماید و او امتناع نموده است به این عنوان که بجز با اعاده حکومت مشروطه به نحو دیگری قبول خدمت نخواهد نمود. این فقط مملکت را نجات می‌تواند بدهد. اکنون اعلیحضرت معظم به صرافت طبع متمایل به ترتیب پارلمانی است و او را مأمور نموده که از نمایندگان دولتین اطمینان حاصل بنماید که آیا دولتین متبوعه آنها در صورت پیروی او به نصیحت آنها چهارصد هزار لیره قرض به او خواهند داد یا خیر؟ قرض به او خواهند داد یا خیر؟

مسیو سبلین و من توضیح نمودیم که يك همچو استقراضی را نمی‌توان با ترتیب حکومت حاضره امکان‌پذیر تصور کرد. بنابراین فقط ترتیب قانون انتخابات کافی نخواهد بود. حکومت شوروی باید شروع بشود و در آنوقت فقط ممکن خواهد بود که تأمینات لازمه برای به محل صحیح صرف شدن آن پول اتخاذ بشود. همچو معلوم شد که شاه خوف آن را دارد که این تأمینات محتمل است تصرف گمرکخانه‌ها یا خاک ایران را هم دربر داشته باشد. من به او گفتم: «اگر چه طبیعتاً تأمینات بقاعده‌ای برای تأدیه مرتب فرع باید فراهم بشود ولی دولتین هیچ همچو خیالی را ندارند.» بر دولت ایران فرض است که برای مسیو بیزو معجلاً تسهیلات تدقیق در وضع مالیه را فراهم نمایند چون فقط به اینوسیله او به مقامی خواهد بود که بتواند دولتین را آگاه بنماید از اینکه چه تأمیناتی لازم است. تمام این اقدامات مدت لازم دارد و در این ضمن اولی آنست که بدون دفع وقت شاه از مقاصد حسنه خود مردم را مستحضر بنماید و اگر چه ما نمی‌توانیم تجویز جزئیات يك مشروطه مناسبی را بنماییم ولی اگر سعدالدوله مساعدت و نصیحت نمایند، ما را برای کوشش در متقاعد نمودن شاه به طبع و نشر قانون انتخابات موعود لازم داشته باشد می‌تواند اطمینان داشته باشد که ما حاضریم.

سعدالدوله قبل از مفارقت به من اظهار داشت که يك عده مردم در صدد متحصن شدن به سفارتها هستند و حتی ممکن است بازارها هم بسته شود.

من از تعقیب همچو روشی سخت اظهار کراهت نمودم چونکه احتمال بی‌نظمی و مختل نمودن اقدامات سفارتین را متضمن خواهد بود.

روز بعد [۱۸ نوامبر؛ ۲۶ آذر؛ ۲۳ ذی‌قعدة] مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی مجدداً سعدالدوله را ملاقات نمودند و معزی الیه اظهار داشته بود که شاه را ملاقات نموده ولی جواب ما را به آن اعلیحضرت رسانیده است.

مسیو بارانوسکی نقشه و طرحی برای مشروطه به او تسلیم نموده بود که می‌گفت چندی قبل يك عده از ایرانیان آن را ترتیب داده‌اند.

نمایندگان سفارتین توضیح نموده بودند که آنها در مقتضی بودن آن نقشه برای ایران نمی‌توانند اظهار عقیده بنمایند بجز اینکه اظهار بدارند که آن حاوی موادی است که برای مقبول افتادن نزد ملتیان ظاهراً جرح و تعدیلی لازم دارد.

ما مصمم شده بودیم که چندی از اظهارات به‌شاه احتراز نموده و مجادله با متنفذین معاند اطراف آن اعلیحضرت را محول به‌عهده سعدالدوله بنماییم ولی روز شنبه بیستم [۲۸ آبان؛ ۲۵ شوال] اوضاع بقسمی شد که به نظر ما همچو اقتضا نمود که ما به آن اعلیحضرت تجدید نصیحت بنماییم چونکه چند روز قبل اخبارات فاسده اشاعه یافته بود که عن‌قریب متحصنین به سفارتخانه‌های خارجه هجوم خواهند آورد. من شخصاً از مرکزهای مختلفه برای تحصن جستن مراسله‌ها داشتیم. اغلب از سفارتها با کمال توجه درهای سفارتخانه‌های خود را بستند. غروب بیستم يك‌عده قلیلی از ملتیان در سفارت کبرای عثمانی تحصن جستند. روز بعد عده آنها خیلی زیاد شد.

اعتقادات براین بود که شاه در شرف تمکین نمودن است. در روز ۲۱ مستر چرچیل و بارانوسکی استدعای شرفیایی حاصل نمودن را کردند برای اینکه يك نوبت دیگر به اعلیحضرت اصرار بنمایند که در شروع تهیه قانون انتخابات موعود دفع وقت ننمایند.

چون شرفیایی میسر نشده بود آنها عنوانات خود را به صدراعظم نمودند و او وعده نموده بود که بیانات آنها را به اعلیحضرت معظم تبلیغ نموده و درخواست موقع شرفیایی در روز بعد برای آنها بنماید.

آنها با اعتقاد و احساس محکم‌تری به اینکه اعلیحضرت معظم مشرف به تمکین کردن است از خدمت آن حضرت اشرف مرخص شدند.

شرفیایی روز بعد [۲۲ نوامبر؛ یکم دی؛ ۲۷ ذی‌قعدة] ترجمانها فوراً پس از موقعی بود که اعلیحضرت معظم يك هیئت نماینده مهمی از ملیون را بار داده بود و هیئت مزبور رساله‌ای از علمای اعلم نجف که عدم مخالفت یکان یکان مواد قانون اساسی با موازین شرع مطاع در آن تصدیق شده بود برای دفاع از حق خود همراه داشتند.

ترجمانها از ظاهر حال همچو استنباط نموده بودند که شاه خیلی مساعد است. او اظهار داشته بود که میل دارد نماینده‌های دولتیخ بدانند که او مصمم در ایفاء به مواعید خودش است و در عرض تمام این مدت هم همین قصد را داشته. پس از آن نماینده‌ها به شاه اصرار نمودند که در مأمور نمودن مجلس جدید به ترتیب دادن قانون انتخابات موعود هیچ دفع وقت ننمایند.

اعلیحضرت معظم فرمودند: من هم همین خیال را داشتم و امیدوارم که مجلس ملی جدید و مجلس سنا قبل از محرم برای کارکردن حاضر خواهند بود. ترجمانها سعی نموده بودند که تعهدنامه کتبی از آن اعلیحضرت بگیرند که بوسیله آن ما بتوانیم متحصنین در سفارت کبرای عثمانی را ترغیب به خروج بنمائیم. شاه ظاهراً متمایل به قبول آن بودند ولی فرمودند که باید بدو صدراعظم را ببینند. پس از آن اعلیحضرت معظم خارج شده و یک ربع ساعت بعد صدراعظم و وزیر امور خارجه به مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی ملحق شدند.

صدراعظم اشکال تراشیمهای بسیار در باب تعهدنامه کتبی نموده و بالاخره با رضایت شاه چنین قرار داده شد که تعهدنامه‌ای بمقاد منظوره نوشته و به امضای صدراعظم برسد و برای ملاحظه نمایندگان دولتیخ به وزیر امور خارجه سپرده بشود. ترجمانهای سفارتین شرح نوشته را مسوده نمودند و آن مبنی براین بود که روز بعد از خروج متحصنین از سفارت کبرای عثمانی شاه دستخطی صادر نموده به کمیسیون که آن اعلیحضرت برای ضمیمه شدن به مجلس جدید تعیین خواهد نمود ترتیب دادن قانون انتخابات را امر خواهد فرمود.

نوشته موعود در ساعت معینه صادر نشد ولی من و همکار روسیم خیال کردیم بهتر آن است از اطمینانی که در نظر بود در آن نوشته درج بشود به شارژ دافر عثمانی اطلاع بدهیم.

وقتی که من صدرالدین بیگ را ملاقات نمودم مشارالیه از این مذاکره ما اظهار امتنان نموده و وعده نمود که از آن مسئله متحصنین خود را که عده آنها تقریباً دویست و هشتاد نفر است مستحضر بدارد. مختصراً او بیم این را داشت که آنها اقناع نشوند.

به هر صورت تأمینات جانی و مالی باید به آنها داده بشود. او در صدد حاصل نمودن این مسئله بود. صدرالدین بیگ به من اطمینان داد که در بدو ورود متحصنین یقین کرده بودم که جان آنها در خطر است و تا روز بعد که عده زیادی در سفارت کبری جمع شده بودند آنوقت گمان این را کردم که مقصود آنها نمایش پولتیکی است.

در غروب روز میلاد مسیح ترجمانها مجدداً صدراعظم را ملاقات نمودند که در عدم ایفاء به وعده خود به او ایراد بنمایند.

آنها دریافتند که وضع حالیه او نسبت به ملاقات سابق خودشان بکلی تغییر کرده. روز قبل از آن در منزل نایب السلطنه، عموی شاه، اجلاس بزرگی بوده که در آن محضر وزراء و بزرگان و علماء و سایر مرتجعین نامی حضور داشته‌اند و نتیجه آن این

شده بود که نفوذ اشخاص مرتجعاً اطراف شاه را تقویت بنمایند. آنچه تا حال من استماع نموده‌ام راپورتی که وزیر مختار ایران مقیم سن پترزبورگ در باب نطق مسیو ایسولسکی در مجلس دوما ۱۲ فرستاده بود بیشتر باعث تأیید اینها شده. راپورت مزبور همچو نوشته شده که از آن استنباط می‌شود که دولت روس مقید به این نیست که شاه پیروی نصایح سفارتین را بنماید یا ننماید.

بهر جهت وقتی که ترجمانها صدراعظم را ملاقات نموده بودند تمام علائم خودرایی سابق خود را مشهود داشته و به این دلیل استقامت می‌نمود که هیچ نوع حکومت شوروی را با شریعت اسلام نمی‌توان موافق نمود.

فقدان نتیجه مادی و رضایت بخش اظهارات ما باعث یأس است. پر واضح است، که ما هرگز موفق و کامیاب نخواهیم شد براینکه محمدعلی شاه را حاضر و راضی بنمائیم که برای انجام وظایف یک پادشاه مشروطه‌ای اهتمام جدی بنماید مگر اینکه دفع صدراعظم و وزیر جنگ بشود. وضع طهران نیز خالی از تشویش نیست. دستگیر نمودن اشخاص که در عرض چند هفته گذشته زیاد بوده باعث احساسات موحشه در بین ملتیان شده و شکی نیست که اگر درهای سفارتهای دائماً بسته نباشد خصوصاً این سفارت فوراً متحصنین به آنجاها هجوم خواهند آورد. ملتیان حالا در صدد بستن بازارها هستند که آن را یک نوع نمایشی قرار بدهند و این اقدامی است که بهیچ وجه خالی از خطر نیست خصوصاً در این مورد که نظر به نشر عقاید و تحریکات ارتجاعی که خاصان درباری هدایت و تعلیم می‌نمایند و همچنین بواسطه وجود عده کثیری قشون موجب نگرفته در پایتخت که آرزومند یک همچو بهانه‌ای برای غارت نمودن هستند بیش از میزان معمول حاوی مخاطرات است و برای مصالح امنیت و آسایش عمومی خیلی لازم است که شاه بدون تأخیر تمکین بنماید.

علاوه بر این ممکن است که مسئله جدیدی قریباً بروز بنماید که به نظر من پیش‌بینی آن خیلی مطلوب است.

به نظر من هیجان چند روزه ماضی آمال و آرزوهای فرقه ملیون را محکم و مجسم کرده و چندی نمی‌گذرد که با یک تقاضای قطعی برای اعاده مشروطه سابق بدون هیچ تفسیری مصادف خواهیم شد. یک همچو تقاضای مستبعدی به اشکالات اصلاح بین شاه و ملت خواهد افزود.

امضاء جارج بارکلی

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

## نمره - ۵۷

مراسله سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۸ ژانویه)

طهران، ۳۱ دسامبر ۱۹۰۸

[۱۰ دی ۱۲۸۷؛ ۷ ذی‌حجه ۱۳۲۶]

آقا، با کمال افتخار صورت وقایع ماهیانه معمولی راجع به واقعات ایران در ماه دسامبر را لفا ارسال می‌دارم.

جارج بارکلی

## ملفوفه در نمره ۵۷

## صورت وقایع ماهیانه

طهران

شاه [و] مشروطه

در هشتم دسامبر [۱۶ آذر؛ ۱۳ ذی‌قعدة] روزنامه رسمی «ایران» مقاله‌ای راجع به مجلس مشاوره مملکتی جدید که اعضای آن بنا بر قول آن جریده «انتخاب» خواهند شد درج نموده بود. در یازدهم دسامبر نظامنامه این مجلس مشاوره طبع و نشر شد. در بیست و نهم دسامبر [۸ دی؛ ۵ ذی‌حجه] بازارهای عمده بسته شد ولی دو روز بعد از آن بکلی باز شد.

در بیست و دویم دسامبر [یکم دی؛ ۲۷ ذی‌قعدة] صنیع‌الدوله رئیس اولی مجلس سابق باتفاق هیئتی از ملتیان به حضور شاه شرفیاب شدند و یک لایحه که ترتیب و طرز بیانش لایق تحسین بود تقدیم نمودند و در آن لایحه دلایل و براهینی را که باعث اصرار آنها به اعلیحضرت برای تجدید اساس مشروطیت گشته بیان نموده بودند. شاه آنها را بخوبی پذیرفته فرمودند من خود قصد این اقدام را دارم. رویهم رفته وضع را می‌توان گفت که سخت و مغشوش است و ممکن نیست پیشگویی کرد که خودرایی و لجاجت شاه بالاخره منجر به چه اشکالاتی خواهد شد. چنانچه دستجاتی که قشون خوانده می‌شوند و در باغ‌شاه جمع شده‌اند تهدید دائمی به‌عامه است و ارتکاب به شرارت و تعدیات بالنسبه جزئی از طرف آنها اخیراً راپورت داده شد ولی از آن باید ترسید که به‌مرور ایام عنان اختیار آنها بکلی از کف ساقط بشود و حتی به‌خانه‌های شخصی هم حمله ببرند. روز ۲۶ دسامبر [۵ دی؛ ۲ ذی‌حجه] شش ساعت بعد از ظهر در خارج سفارت کبرای عثمانی ژاندارمها بطور جسورانه مزاحم منشی‌باشی سفارت انگلیس شدند و در این موضوع اظهارات سخت شده است. شاه ظل‌السلطان و پسر او جلال‌الدوله و علاءالدوله را احضار نموده که به‌ایران مراجعت نمایند. به‌خاطر هست که چند روز قبل از کودتا (مهاجمه پلتیکی) در ۲۳ ژوئن [۲ تیر؛ ۲۳ ج ۱] جلال‌الدوله و علاءالدوله و سردار منصور دستگیر و تبعید شده بودند. سردار منصور را بعد از چندین ماه توقیف در فیروزکوه به‌طهران آورده و در منزل امیر بهادر در باغ‌شاه او

را توقیف نمودند و به او گفته شد که او می‌تواند خلاصی خود را به‌شصت هزار تومان بخرد.

بالاخره در حصول اجازه برای رفتن چند ساعت به‌خانه خودش موفق شده و وقت را مفتنم شمرده در سفارت روس متحصن گردید.

سفارت روس نفوذ خود را به‌شاه بکار برده و در استخلاص بسیاری از محبوسین پولتیکی مهم موفق شد. سفارت انگلیس نیز سعی است که مستشارالدوله نماینده منفصل تبریز را که هنوز در باغ شاه است مستخلص کند. امضاء امان چرچیل، وکیل شرقی

#### رشت

به تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۰۸ [۱۰ دی ۱۲۸۷؛ ۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۶] مقارن ۲۵ دسامبر تلگرافات وحشت‌انگیز از طرف اگنت قنصلگری عثمانی مقیم رشت به‌شارژ دافر عثمانی مخاپره شده مبنی براینکه عده‌ای از ملتیان در منزل او متحصن شده‌اند و مأمورین محلی تهدید می‌کنند که به‌قوای قهریه آنها را خارج کنند.

#### مشهد

در غره دسامبر [۹ آذر؛ ۶ ذی‌قعدة] وضع مشهد جالب‌اهمیت و سخت بود. هر ساعت به‌عده ملتیان افزوده می‌شد و بازارها بسته مانده بود. عنوانات به‌ایالت شده که تقاضای مشروطه و عفو عمومی نموده‌اند. در صورتیکه عفو عمومی متضمن امضای هر دو جنرال قنصلگریها باشد. شاه به‌ایالت و پیشوایان ارتجاعیون تلگراف نمود که در متفرق نمودن ملتیان نفوذ خود را بکار برند. شاه نیز اظهار نموده بود که مکتوب کربلا جعلی است ولی ایالت در موثق بودن آن اعتقاد حاصل نموده و سعی داشته است که کشف بنماید چگونه آن به مشهد رسیده. شکی نیست که این مکتوب علماء اعظم کربلا تا حد وافی سبب آن بحران شده. در عرض روز دوم دسامبر [۱۰ آذر؛ ۷ ذی‌قعدة] تقریباً تمام اشخاصی که دارای شخصیت بودند به‌فرقه ملیون ملحق شدند و ایالت خیلی وحشت کرده و اظهار می‌دارد که نمی‌تواند به قشون خودش اعتماد بنماید.

از جنرال قنصل موقتی انگلیس درخواست شده بود که تلگرافی بتوسط وزیر مختار انگلیس از طرف رؤسای ملیون به‌شاه مخاپره بنماید. کاپتان فرنکلین اظهار داشته بود که خلاصه آن را مخاپره خواهد نمود. تلگراف مزبور تشریح می‌نمود که چگونه شاه سابق و شاه حالیه هر دو اقرار کرده‌اند که ایران مملکت مشروطه است و آنها سلطان مشروطه، ولی بعد از متفرق کردن مجلس ملی تا حال شاه به وعده خود در تجدید تأسیس آن وفا ننموده و به لوایح جعلی در باب میل واقعی مردم در این موضوع فریب‌خورده و دیگر آنکه مردم‌صمیمانه خواهان مشروطه بوده و بر طبق علمای کربلا عمل خواهند کرد مشروطه به آنها اعطا بشود.

دو طرفاً مکتوب هم در همین موضوع به کاپتان فرنکلین رسیده است. در یکی از آن مکاتیب نیز اشعار شده بود که مردم نهایت احتیاط و توجه را در محافظت و رفاهیت اتباع خارجه مرعی داشته‌اند. چنانچه دربارهٔ عامهٔ مردم نوعاً این ملاحظه را داشته‌اند و میل دارند که مناسبات دوستانه که مابین آنها و اتباع دول دیگر موجود است حفظ بنمایند.

سواد این مکتوب نیز برای جنرال قنسولگری روس هم فرستاده شده بود. در مکتوب دیگر اظهار تشکر از دولت انگلیس برای رفتار و روش دوستانه‌ای که نسبت به فرقهٔ مشروطه‌خواهان دارند شده.

در سوم دسامبر [۱۱ آذر؛ ۸ ذی‌قعدة] ایالت توپ و چاتمه ۱۳‌های خود را از کوچه‌ها برداشته و به حوالی ارك برد.

کلیتاً تمام رؤسای ارتجاعیون که این جنبش را از حیث مقاومت خارج دیدند به ملتیان ملحق شدند، به اضافه از دهات خارج هم برای تقویت با آنها حسن طلب شده بود.

آنها تلگرافخانه را تصرف نمودند ولی متعرض تلگرافچیان نشدند. تا هفتم دسامبر [۱۵ آذر؛ ۱۲ ذی‌قعدة] وضع بلا تغییر ماند و در آن روز ایالت اظهار داشت که شاه تلگراف نموده است اگر مردم از حرم خارج بشوند و بازارها را باز بکنند اعلیحضرت معظم یک نوع مجمع عدالتی اعطا خواهد نمود. از طرف دیگر ملتیان از قرار ذیل تقاضا نمودند:

- (۱) انجمن محلی،
  - (۲) عفو عمومی،
  - (۳) یک ماه مهلت در وصول مالیات.
- این تقاضاها به شاه تبلیغ شد.

در هشتم دسامبر [۱۶ آذر؛ ۱۳ ذی‌قعدة] ایالت از کاپتان فرنکلین خواهش نمود که از بانک شاهنشاهی هزار لیره برای او قرض بنماید که او بتواند حقوق قشون خودش را بپردازد ولی رئیس بانک از قبول آن خواهش امتناع نمود. رؤسای ملتیان به کاپتان فرنکلین اطلاع دادند که انجمن محلی انتخاب شده.

در نهم دسامبر [۱۷ آذر؛ ۱۴ ذی‌قعدة] حاجی عبدالرحیم که یکی از رؤسای ملتیان است ایالت را ملاقات نمود که رضایت او را در شرایط ذیل حاصل بنماید:

- (۱) معافیت سرسنگ (که محل مالیات جنسی است)،
- (۲) مالیات نگرفتن تا عید نوروز،
- (۳) شناختن و رسمیت دادن انجمن محلی،
- (۴) عفو عمومی.

ایالت بجز شق «۳» همه را قبول نمود. نفاق بسیار بین پیشوایان ملیون مشهود

۱۳ چاتمه: قرار گرفتن چند تفنگ در کنار هم و بطور عمودی چنانکه بصورت یک مخروط درآید. توقف عده‌ای قراول در یک محل. - م.